

شماره ۲۱۱
دوره چهارم سال نوزدهم
اول دی ۱۳۸۱
آمریکا کانادا ۱ دلار،
اروپا یک یورو

نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

آغاز سال ۲۰۰۳ میلادی را
تبریک می گوئیم

قیام استبدادی دانشجویان، زنان و مردان ایران زمین
نابود باد استبداد مذهبی - زنده باد آزادی و سکولاریسم

یادداشت سیاسی

«مردم ایران هر روز با گوشت و پوست و استخوان خود حقایق مربوط به حاکمیت ارتجاع را لمس می کنند و به آن با جنبشها و قیامهای خود پاسخ می دهند.»
در صفحه ۲

سرمقاله

اصلاحات یا اصلاح

« طرحهای ساختگی بوروکراتهای اصلاح طلب نیز به همین گونه، جز فراهم آوردن اسباب سرگرمی قلمی تنی چند از ژورنالیستهای "خودی" از هر دو سو، تأثیر مادی دیگری به جا نگذاشته است. محور توجه جامعه اکنون از خرده های جداگانه، روی کلیت مسأله متمرکز شده است. نقایص و نارساییهای "نظام" به عنوان یک کل مطرح می گردد و آنچه که در این ارزیابی، شایسته نامیده شدن به عنوان راه حل تلقی می شود، اصلاح و نه اصلاحات است.»
در صفحه ۳

حقوق بشر، عرصه چالش با قوانین

شرعی حاکم بر ایران

«یک اصل غیر قابل تردید که در موازین شرعی وجود دارد قاعدهی نفی سبیل است که بر اساس آن، کفار نباید بر مسلمین سلطه پیدا کنند و در اصول قانون اساسی هم این موضوع منعکس شده است. در مورد حد منطقی این قاعده فقهی، تنها تردیدی که وجود دارد، تعیین مصادیق تسلط کفار بر مسلمین است؛ ولی در اصالت خود قاعده تردیدی نیست. به این ترتیب باید گفت: این قاعده بر کلیه روابط احتمالی بین جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها حاکم است.»
در صفحه ۴

زنان در مسیر رهایی

در صفحه ۶



در باره ی طرح جبهه همبستگی ملی برای
سرنگونی استبداد مذهبی

پرسش و پاسخ - مهدی سامع
گفتگوی جنگ صدا با آقای کریم فصیح

صفحه ۷ و ۸

اخبار اعتراضهای
کارگران و مزدبگیران

صفحه ۵

حمایت از دادخواست
خانواده های قربانیان
قتلهای زنجیره ای

صفحه ۲۰

سازمان بین المللی کار و
نقض حقوق کارگران ایران

صفحه ۹

پیروزی امید بر ترس

در برزیل

صفحه ۱۲

ایران نبرد شماره ۷

به زبان انگلیسی منتشر شد

ایران نبرد به زبان انگلیسی بر
روی شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

دهم دسامبر روز

جهانی حقوق بشر

صفحه ۱۰

به مناسبت روز جهانی ایدز

صفحه ۱۰

مافیای مؤتلفه و

اتاق بازرگانی

صفحه ۹

مرگ تدریجی

صفحه ۱۵

سرنگون باد رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن ، هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی

یادداشت سیاسی

مهدی سامع

روز چهارشنبه ۲۷ آذر، سید محمد خاتمی لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۸۲ را به مجلس ارائه داد. وی در ابتدای سخنان خود هنگام ارائه لایحه بودجه گفت «مجلس در راس امور است» و «میزان رای ملت است» و سپس به حرفهای خمینی استناد کرد و افزود: «هر کس که به واقع خود را وامدار تفکر راهگشای معمار بزرگ این نظام حضرت امام خمینی (ره) و ملتزم به شعور و حضور مردم می‌داند باید به مکنات و منزلت مجلس جز از سر اعتقاد و اعتماد ننگرد». خاتمی به بخشی از نظرات خمینی اشاره می‌کند و آگاهانه کنه نظرات ارتجاعی خمینی را که خاتمی مرید اوست پنهان می‌کند. اما در همان روز موحدی کرمانی، نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گوید: «مسئولی که در راس حکومت دینی است، همان جایگاهی را دارد که رسول الله داشت و فرمانهای حکومتی او لازم‌الاطاعه است. به تعبیر حضرت امام خمینی (ره) ولایت فقیه امتداد ولایت رسول الله و ولایت الله است.» خاتمی که خود را مدافع قانون می‌داند به جای این که به مردم صریح بگوید که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ولی فقیه دارای قدرت مافوق قانون و «در راس امور» است. خاتمی با استفاده جزئی و عوامفریبانه از حرفهای خمینی، می‌خواهد به طور غیرمستقیم و به شکل بزدلانه برای مجلس در مقابل شورای نگهبان تحت امر خامنه‌ای قدرت بتراشد، در حالی که طبق بسیاری از اصول قانون اساسی و منجمله اصول ۴، ۷۲، ۹۱، ۹۳، ۹۴ و ۹۶، این شورای نگهبان است که به قوانین مصوب مجلس، مشروعیت نهایی می‌بخشد و نه رای مجلس! شورای نگهبان در رد یکی از مصوبات اخیر مجلس، به این دلیل که این مصوبه نظر خامنه‌ای را مد نظر قرار نداده، آن را خلاف شرع اعلام کرد و خاتمی هم که به خوبی می‌داند مجلس در مقابل ولی فقیه و شورای نگهبان از قدرتی برخوردار نیست، می‌خواهد با «حرف درمانی» مردم را بفریبد.

در زمینه خود بودجه هم خاتمی در مورد بسیاری حقایق مربوط به آن حرف جدی نزد او اساسا از امکاناتی که بودجه دولت برای رانت خوراران ایجاد می‌کند سخنی به میان نیاورد. در مورد نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی بدون این که به ذکر ارقام سرسام آور بودجه در این زمینه بپردازد، فقط اعلام کرد که: «در این لایحه، تحقیقات صنعت دفاعی، توسعه و تقویت و تجهیز صنایع نظامی برای دستیابی به فناوری‌های نوین، نوسازی و بازسازی نیروهای مسلح از اولویت برخوردار است.» و «در بخش امنیت نیز توجه به زیربنای امنیت اجتماعی به جای

استفاده از عوامل فیزیکی تأمین امنیت، گسترش شبکه حفظ نظم و امنیت کشور با اولویت توجه به امنیت کلان شهرها و توسعه و تجهیز پاسگاه‌های شهری و برون شهری و مرزها، توجه به خدمات تخصصی انتظامی از قبیل آگاهی، جرم شناسی، تشخیص هویت، ارتباطات بین المللی نکات مهم بودجه این بخش را تشکیل می‌دهند.» خاتمی از تریبون مجلس به مردم نگفت که میزان هزینه های کلان که صرف خرید سلاحهای کشتار جمعی و تکنولوژی آن می‌گردد چه میزان است و چرا باید حدود دو سوم بودجه کل دولت یعنی ۵۵۱ هزار و ۴۷۱ میلیارد ریال به «شرکتهای دولتی، موسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانکها» اختصاص یابد. هر کس که مسایل اقتصادی کشور ما را تعقیب می‌کند به خوبی می‌داند که این مبلغ بودجه برای شرکتهای دولتی که اکثر آنها زیان ده هستند، فقط برای رانت خوران و دزدان حکومتی امکان سازی می‌کند.

خاتمی طی این ۶ سال که به هنگام ارائه بودجه در مجلس سخنرانی کرده، با کلی گویی از اختصاص بودجه لازم برای امور زیربنایی و رفاهی مردم سخن رانده بدون این که بگوید تاکنون تصمیمات ادعایی او چه دستاوردی داشته اند. اما حرفهای بسیاری از حکومتها بیانگر آن است که طی ۶ سال دولت خاتمی - همچون تمام دوران این حکومت ضد مردمی - هیچ اقدام جدی در جهت امور زیربنایی و امور مربوط به رفاه اجتماعی صورت نگرفته است. برای نمونه اگر وضع آب که یک پارامتر مهم در توسعه پایدار است را مورد مطالعه قرار دهیم، می‌بینیم که چه وضع فاجعه باری در این زمینه وجود دارد. بهرام امینی‌پوری، معاون آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی، روز ۲۳ آذر در این زمینه به خبرنگاران می‌گوید: «۶۳ درصد از کل آب جمع‌آوری و تأمین شده در کشور، به هدر می‌رود و راندمان آبیاری را تا ۲۷ درصد کاهش می‌دهد.» وی علت این امر را « نبود نگرش صحیح و نبود منابع مالی کافی» می‌داند. وی تأثیر این وضع فاجعه بار در زمینه کشاورزی و آینده فاجعه بار تر تأمین آب را این گونه بیان می‌کند: «مساحت زمین‌های مستعد کشاورزی ۳۷ میلیون هکتار است» و افزود: «از این مقدار زمین، تنها ۷/۸ میلیون هکتار به صورت فاریاب (کشت آبی) کشت می‌شوند و پیش‌بینی می‌شود تا پایان برنامه سوم توسعه، راندمان آبیاری به ۱۴/۵ درصد برسد.»

خاتمی در مجلس ارتجاع نخواست که این حقایق را بیان کند. اما مردم ایران هر روز با گوشت و پوست و استخوان خود حقایق مربوط به حاکمیت ارتجاع را لمس می‌کنند و به آن با جنبشها و قیامهای خود پاسخ می‌دهند.

قیام ضد استبدادی دانشجویان،

زنان و مردان ایران زمین

نابود باد استبداد مذهبی -

زنده باد آزادی و سکولاریسم

امروز به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو، دهها هزار نفر از دانشجویان، جوانان، و زنان و مردان ایران زمین در نقاط مختلف شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، مشهد، اهواز



بیخاستند و تنفر و انزجار خود را از استبداد مذهبی حاکم بر ایران ابراز داشتند. برخی شعارهای دانشجویان، جوانان و زنان و مردانی که امروز و بیخاسته بودند چنین بود: «مرگ بر استبداد - زنده باد آزادی»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «مرگ بر طالبان چه کابل چه تهران»، «خاتمی استعفا استعفا»، «دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد»، «توب» تانک مسلسل دیگر اثر ندارد»، «یک روزی طالبان بیرون می‌رود از ایران»، «رفراندوم رفراندوم این است شعار مردم»، «علی فلاحیان سردسته جانپان»، «هاشمی عراقی استعفا استعفا»، «انصار برو گمشو، رهبر برو گمشو».

در تهران علاوه بر محوطه دانشگاه‌ها هزاران نفر در خیابانهای فخرآزادی، انقلاب (روبروی درب اصلی دانشگاه تهران)، شهدای ژاندارمری، کارگر، ۱۶ آذر، طرف بلوار کشاورز و دوازدهم فروردین و در میدان انقلاب، ونک، و ... به تظاهرات گسترده دست زدند. در خیابان انقلاب (روبروی درب اصلی دانشگاه تهران) هزاران تن از مردم شعار می‌دادند: «دانشجو دانشجو حمایت می‌کنیم - زندانی سیاسی آزاد باید گردد».

عصر امروز در خیابان کارگر و امیرآباد شمالی (در تهران) چند هزار تن از تظاهر کنندگان ترانه «حرکت از این پیش شتابان کنیم» را که داریوش، برای ۱۶ آذر امسال خوانده است را دسته جمعی می‌خواندند.

مزدوران نیروی انتظامی و لباس شخصیها (انصار حزب الله) به تمامی

این حرکت‌های گسترده با وحشیانه ترین شکل حمله کردند و تعداد زیادی را زخمی و دستگیر کردند. خبرگزاری دولتی ایسنا گزارش

داده است که: «در پی درگیری‌های نیروهای لباس شخصی با تجمع کنندگان در خیابانهای اطراف دانشگاه تهران، خبرنگار یکی از روزنامه‌ها

نیز مورد تعرض قرار گرفت و واگمن و کسارت خبرنگاری او توقیف شد.»

این قیام گسترده مردمی که

خبر آن را خبرگزاریهای مهم جهان مخابره نمودند در حالی صورت گرفت که وزارت کشور خاتمی برای تظاهرات، در مقابل دانشگاه تهران، مجوز نداده بود و همه ی اصلاح طلبان قلابی دانشجویان و جوانان را به آرامش دعوت کرده بودند. عصر امروز علی شکاری‌راد، عضو کمیسیون اصل نود مجلس ارتجاع و از سرکردگان باند دفتر تحکیم وحدت در مورد شعار رفراندوم، به خبرنگاری دولتی دانشجویان گفت: «بحث همه‌پرسی، بحثی قانونی است و تنها اختصاص به دانشجویان ندارد. اصل موضوع همه‌پرسی یک ظرفیت قانونی است که در قانون اساسی پیش‌بینی شده و هیچ تفاوتی با قانون‌گذاری مجلس ندارد.»

دوم خردادیه‌ها می‌خواهند از تظاهرات گسترده مردم برای چانه زنی در بالا سو استفاده کنند. اما مردم ایران امروز نشان دادند که خواهان سرنگونی تمامیت رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه هستند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن همبستگی با جنبش بیخاسته مردم و ضمن محکوم نمودن سرکوب این جنبش، خواستار دخالت جدی کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و سازمانها و نهادهای مدافع حقوق بشر برای آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان قیام امروز می‌باشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شنبه ۱۶ آذر ۱۳۸۱ - ۷ دسامبر ۲۰۰۰

خیزشها و حرکات اعتراضی افشار گوناگون مردم ایران، طی ماههای اخیر چه از حیث شمار و چه از نظر ویژگیهای ماهوی (مصالبات، تداوم و چالش گری)، وجود یک دگرگونی در چگونگی صف آرابی جبهه توده ای در برابر حکومت را به نمایش گذاشته است. نمود علنی ناراضی از یک بخش کشور به نقطه دیگر انتقال می یابد و کارگران قائم شهری و دانشجویان کرمانی، به یکسان، جنبش نویی را برای بهبود شرایط به حرکت درمی آورند. اخبار و گزارشات رسمی و غیررسمی، تقریباً بطور روزانه به گردهم آییها و اعتصابات گوناگونی که در شهرهای کوچک و بزرگ صورت می گیرند، اشاره دارد. و این علیرغم کلیه تدابیر بازدارنده و سرکوبگرانه ای است که جمهوری اسلامی علیه کانونهای اعتراضی به کار گرفته است. موج ناراضی، منافذ بیشماری برای سرریز شدن یافته و همچنان می یابد. حوزه های گسترده نفوذ خودسرانه و دخالت ویرانگر "نظام" در زندگی و معیشت مردم، اینک سپرهای دفاعی آنرا به سلاحی که علیه خود او وارد عمل شده، تبدیل گردانده است.

جوانان در برابر تحمیلات ضدفرهنگی حکومت به شورش برخاسته اند. زنان، آیین ها و قوانین واپسگرایانه و زن ستیز را به مبارزه می طلبند. کارگران، درهای مستضعف نوازی دروغین را از پاشنه بیرون آورده و تازیانه برده داران جدید را برنمی تانند. حاشیه نشینان، دست فروشها، بیکاران و نه سرآخر صدها هزار کارمند و پیشه ور جزء، به فعالیت مستقل برای کسب نخستین ضرورتهای زندگی و کار کشیده شده اند. و در این میان اعتصابات و تظاهرات صنفی به گونه نیرومندتری با مطالبات سیاسی آمیخته می گردند. تناوب درخواستهایی که آشکارا مقامات محلی یا مرکزی را مسئول مستقیم ناسامانی شرایط معرفی کرده و برکناری آنان را مطرح می سازد و نیز اعتراضات افشاگرانه ای که فساد و سوءاستفاده گماشتگان حکومت را آماج حمله خود قرار داده است، فزونی گرفته و جستجو برای یافتن راه حل را به نقطه ای فراتر از مشکلات بلافصل ارتقاء داده است.

در یک مدار بالاتر و آن گونه که جنبش دانشجویی به نمایش گذاشت، درهم آمیزی مطالبات صنفی و سیاسی، به گونه برگشت ناپذیری، یک جبهه با کلیه ویژگیهای مبارزاتی و مداخله گرایانه را در برابر حکومت می گشاید. خیزش دانشجویان از این زاویه، به جنبش همگانی جامعه درونمایه جدیدی بخشید و درجه گذار از مطالبات صنفی - حرفه ای به آماجهای مشخص تر سیاسی را به روی آن گشود. موقعیت عینی و واقعی

سرمقاله

اصلاحات یا اصلاح

--- منصور امان

تر شدن شرایط را از دست می دهد و خصلت تعرضی و مبارزه آشکار برای بهبود اوضاع را کسب می کند و سپس نطفه های آغازین جنبش که در مبارزه برای رفرمهای منفرد نظم می گرفت، اینک با طرح نارسیپها به عنوان یک کلیت، در جهت تبدیل محتوای آن به یک جنبش فراگیر، سرنگونی طلب و انقلابی گسترش می یابد.

در ابعادی مشابه، این دگرگونی را در ماهیت و تناسب درونی قدرت سیاسی نیز می توان شاهد بود. شتاب تلاشی حکومت به باندها و گرایشات گوناگون فزونی گرفته و تقسیم بندی مجرد "اصلاح طلبان" و "محافظه کاران"، در نظر به بحران داخلی و چالشهای بین المللی، هر روز بیشتر از گذشته رنگ می بازد. مرزهای مشروعیت "نظام" که از جمله در تابوهای مقدسی همچون ولایت فقیه تبلور می یافت، در رقابت مرگ وزندگی درنور دیده شده و گرایش به اقدامات تعیین کننده از هرسو، از بسته شدن تدریجی حلقه محاصره ی یک سیستم منزوی شده، خبر می دهد.

بدون درک این تغییرات، هیچ گرایش سیاسی - صرف نظر از جهتگیری آن - قادر به برداشتن حتی یک گام به جلو نیست. وانگاشت برآمده از تحولات موجود، صفوف هیچ حزب و جریانی را بی تعریف و بی نشان برجای نمی گذارد. تقسیم اردوگاههای سیاسی که از دیرباز و بیش از هر شرط دیگر در نوع نگاه به رویکرد بالاییها صورت پذیرفته بود، اینک با شرط دیگری، یعنی زاویه نگرش به جنبش اجتماعی و پایینیها قطعیت می یابد. از همین رو، در جبهه مقابل نظام جمهوری اسلامی، همچنان در اصلی ترین محورها، خطوط سیاسی با تعقیب دو گزینه رفرم یا انقلاب نمود می یابند. این انتخاب اگرچه به سان تقدیری رقم زده شده توسط صحنه آرابی سیاسی جامعه، از نخستین دست اندازی خمینی و یارانش به قدرت سیاسی تا به کنون امتداد یافته است، با این وجود همراه با بلوغ پیش شرطهای اجتماعی تحول، ژرفا و تحرک کم پیشینه ای می یابد. اردوی رفرم، با نگاه به گذشته، هر پیشرفت جزئی جنبش و دستاوردهای مرحله ای آن را به عنوان مثالهای بی بدیل فرجام مبارزه تبلیغ می کند و نسبت به ایهام در هر آنچه که به آینده نظر دوخته و "نو" محسوب می شود، هشدار

می دهد. فشار متراکم در خیابانها، دانشگاهها و کارخانه ها آنان را به جلو می راند تا بی هیچ آراستگی چهره و لباس، در برابر جنبش بایستند و توقف آن را خواستار شوند. ارزش هر تحول، در سنجش با آنچه که پیش از این بود و نه آنچه که باید باشد و فقدان آن همچنان برشانه های جامعه سنگینی می کند، به محک گذاشته می شود. اسناد پیروزی رفرمیستها در این یا آن نبرد، قطعیت شکست را پیشاپیش بر خود مهر کرده و آنان تنها در پی امضای تسلیم جنبش برای اعتبار بخشیدن بدان، از پس قافله روان شده اند.

ستایش از جنبش اجتماعی و جلوه های عینی و غیرقابل انکار آن، از تلاش رفرمیستها برای به زیرمهمیز خود کشیدن آن حذف ناشدنی ست و به موازات اعتلاء مطالبات، به ادبیات و اشکال متملقانه تری مجهز می گردد. چه رفرمیستهای اداری "دوم خرداد" و چه همدستان بی منصب آنان در این کسالت بار، همراهی و همبستگی بی قید و شرط خود با دانشجویان را هر روز از نو تکرار کردند. رهبران و کارگزاران دون و بلند پایه، شتابان مکانی در کنار آنها جستند تا از اقدامات عجولانه پرهیز دهند، بذر هراس از سرکوب همه جا حاضر و همیشه بالفعل را بپراکنند و به اندرز گویی پیرامون طعم تلخ شکست بنشینند.

دیوارهای کوتاه دانشگاه، آزمون بزرگ کارایی تمام مهارت سیاسی "اصلاح طلبان" و کوششهای برآمده از آن برای محدود کردن دانشجویان در حصار آرزوهای کوچک خود بود. و هنگامی که کارزار از سطح مشبک حکم اعدام آقاجری - مرزی که دانشجویان به بایست به آن سوگند می خوردند - گذشت و به خیابان گذر کرد، آشکار گردید که میانه گیرها از چه میزان نازلی از نفوذ سیاسی و گنجایش جذب و مهار سیل به جنبش درآمده برخوردارند. صفهای جاری شده از بین میله ها، دیوارها و اتوبوسهای خالی، اسطوره قربانی شدن جنبش در عید محافظه کاران را زیر گامهای اراده و انگاشت مستقل خود، برای همیشه به پردازندگانش بازگرداند. مبارزه برای به واقعیت گرایاندن مطالبات، در هر دو نظام پیشین و کنونی، تجاربی از شکست و سرکوب را پشت سر داشته است اما در هیچ دوره ای این امر به معنای هراس از به پیش بردن

بقیه در صفحه ۴

حقوق بشر، عرصه چالش با قوانین شرعی حاکم بر ایران

زینت میرهاشمی

اصلاحات یا اصلاح

بقیه از صفحه ۴

کاهش قدرت ولایت فقیه یا افزایش اختیارات رییس جمهور، تشریفات اداری و لوکس رفهمیستهای ست که به گونه مضحکی در تلاش قراردادن این پلاتفرم نم گرفته بر رأس جنبش سرنگونی هستند. اصلاحات معنایی جز پیشروی در چند میدان متفاوت و پیروزی در این یا آن نبرد ندارد و حال آن که مردم، اصلاح سرچشمه ی قدرت و ویران ساختن قلعه و باروی آن را هدف گرفته اند. "اصلاح طلبان" جمهوری اسلامی و همدستان آنها، حتی از سطح یک جنبش بی رمق و بی جریزه رفهمیستی که چند موفقیت گدایی شده از حاکمان واقعی را به عنوان پیروزی از کارنامه خود به شهادت می گیرد، فرسنگها فاصله دارند.

سرنگونی نظام استبدادی - مذهبی ولایت فقیه، تنها به اراده پیشاهنگان توده ها وابسته نیست. اما آنان می توانند با پراکندن بذر دموکراسیم انقلابی و پرورش روحیه استقلال طلبی سیاسی و سازواره ای توده ها به شتاب گیری فرآیند آن یاری رسانند. مبارزه باید با کسب هرچه بیشتر مطالبات و دفاع قاطعانه تر از دستاوردها، مستمرا به جلو گام بردارد و سنگین ترین ضربات خود را بر نیروهای مرکزی حکومت فرود آورد. درنگ در جنبش، تمرکز و تجدید قوای دشمنان آن برای از پا انداختن اش را افزایش می دهد. بیان علنی ناراضی به صورت اعتصاب یا تظاهرات همچنان، اکسیر حفظ جنبش در برابر این تهدید است و صدای اعتراضی که در نقاط گوناگون و از دهانه های به خشم آمده متفاوت، آوا گرفته است، می بایست در دوردست ترین شهرک و روستاها شنیده شود. صحنه ی جدال و ناآرامی برآمده از آن، برای منزوی نشدن، برای جلب همبستگی و کشاندن همه به مبارزه، ضروری ست که در برابر دیدگان عموم به تصویر درآید و ذهنیت آنان نسبت به موقعیت کنونی کشور را شکل دهد. ایجاد مراکز ارتباطی و تلاش برای سازمان یابی، می بایست با تشدید تبلیغات سیاسی و اقتصادی همراه گردد. حکومت باید در هر کجا و هر زمان و به هر بهانه ای، مورد تهاجم واقع شود و مشاطه گران آن افشاء گردند. انتقادات "اصلاح طلبان" داخل و خارج از "نظام" یا مداحی در باره جنبش، اندکی از غیرقابل اعتماد بودن آنان نمی کاهد. طرد قاطعانه این طیف، همچنان باید در دستور کار باقی بماند.

پیروزمندان مبارزه، درک نشده است. به نبرد طلبیدن ولایت با لشگری از "انصار" و "لباس شخصیها"، چیرگی ناراضی بر یاس، بی تفاوتی و پراکندگی و از این نیز مهمتر هراس از شکستی که "اصلاح طلبان" پیشاپیش بر پرچم دانشجویان و مردم نگاشته اند را به نمایش گذاشت تا آمادگی اجتماعی برای دگرگونی، اندرزه های پدرسالارانه آنان را از خیابان جارو کند. نمایش رقت آمیز چوب و تفنگ بدستان، بیش از آنکه دانشجویان و مردم را از پی گیری خواسته های خود منصرف سازد، با آشکار کردن ورشکستگی سیاسی "نظام"، آنان را مصممانه تر به روبروی با دشمنی که در انتهای تادیبزدانقلابی خود دندان می فسرد، برانگیخت. تهدید ولی فقیه مبنی بر استفاده از آخرین نیروهای ذخیره خود، می بایست حتی ممانعت گران را نیز قانع کرده باشد که بقا یا فنای جمهوری اسلامی در ازدحام خیابانها و کوچه ها به گردش در خواهد آمد. اما آنها نه می توانند و نه تمایل دارند که به تمام شواهد بیانیدشد و خود را به فرازی که جامعه در آن به حرکت درآمده است، برسانند. اصلاحات به مفهوم پیرایش کزیهای منفرد نظام، خواست آنهایی که جز پایمالی حقوق از جمهوری اسلامی نصیب نبرده اند، نمی تواند باشد. بیهودگی تلاش برای کاستن و افزودن بر جوهره ای ناپاک را "اصلاح طلبان" خود روشن تر از هر استدلال مجرد انقلابی، ارایه داده اند. امروز آنها اعتراف می کنند که سازمانهای امنیتی همچنان به قتل و شکنجه مخالفان اشتغال دارند، از عدم تصویب قوانین شرمند اند، دستگاه قضایی را غیرمستقل آلت دست باند ولایت معرفی می کنند و از اینکه هیچیک از وعده هایشان جامه عمل به خود نپوشانده، گاه و بیگاه از پیشگاه ملت شریف ایران عذرخواهی می نمایند. طرحهای ساختگی بوروکراتهای "اصلاح طلب" نیز به همین گونه، جز فراهم آوردن اسباب سرگرمی قلمی تنی چند از ژورنالیستهای "خودی" از هر دو سو، تأثیر مادی دیگری به جا نگذاشته است. محور توجه جامعه اکنون از خرده های جداگانه، روی کلیت مسأله متمرکز شده است. نقایص و نارساییهای "نظام" به عنوان یک کل مطرح می گردد و آنچه که در این ارزیابی، شایسته نامیده شدن به عنوان راه حل تلقی می شود، اصلاح و نه اصلاحات است.

بنابراین از آن جا که ساختار این رژیم، بستر رشد و افزایش نرمها و هنجارهای ضد بشری است، هیچ تضمینی نیز برای رعایت حقوق بشر در شرایط فعلی وجود ندارد. اگر چه بخشی از رژیم، بر اساس نیازهای اقتصادی و در تعادل قوا بین قدرتهای جهان سرمایه داری تمایل دارد که خود را وارد بازار و روابط جهانی کند اما آن چنان تحت نفوذ قاطع شریعت است که با چالشهایی جدی مواجه خواهد شد. عواملی مانند اجتهاد، مصلحت نظام، احکام حکومتی و غیره بزرگترین موانع بر سر این راه هستند. معیارها و ارزشهایی که در منشور و کنوانسیونهای سازمان ملل آورده شده است، با موازین شرعی جمهوری اسلامی در تضاد قرار دارند. جدیدترین دلیل در این زمینه را محمد شریف، مدرس دانشگاه علامه طباطبایی، عنوان کرده است. وی در مورد تضادهای قانون اساسی رژیم ایران با منشور سازمان ملل متحد می گوید: «یک اصل غیر قابل تردید که در موازین شرعی وجود دارد قاعده ی نفی سبیل است که بر اساس آن، کفار نباید بر مسلمین سلطه پیدا کنند و در اصول قانون اساسی ما هم این موضوع منعکس شده است. در مورد حد منطقی این قاعده فقهی، تنها تردیدی که وجود دارد، تعیین مصادیق تسلط کفار بر مسلمین است؛ ولی در اصالت خود قاعده تردیدی نیست. به این ترتیب باید گفت: این قاعده بر کلیه روابط احتمالی بین جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها حاکم است.» (ایسنا ۱۸ آذر)

محمد جواد لاریجانی معاون امور بین المللی قوه قضائیه در رابطه با روابط بین المللی می گوید: «از آن جا که تجربه غربی عمدتاً دموکراسی لیبرال است، گاهی به تفاوت لیبرالیسم و اسلام، توجه نمی شود. ما ضمن این که به تجربه سایر ملل احترام می گذاریم، انتظار داریم که تجربه اسلامی ما هم محترم باشد.» (حیات نو ۲۵ آذر)

سیاست رژیم حاکم بر ایران در صحنه بین المللی بر پایه همین صحبت لاریجانی قرار دارد که قصد کرده معیارها و ارزشهای قرون وسطایی خود را بعنوان اصول یک مکتب سیاسی به روابط بین المللی تحمیل کند. معیارها و ارزشهای حقوق بشری جهانشمول است. برای رعایت آن، در هر جامعه ای احتیاج به قوانین و نهادهایی است که این امر را کنترل و نهادینه نماید. در حالی که بنیان قوانین اساسی و مدنی و جزایی ایران، که بر موازین شرعی استوار است، ماهیتا نقض کننده حقوق بشر است.

دهمین دور گفتگوهای اتحادیه اروپا با رژیم ولایت فقیه، پیرامون روابط سیاسی و اقتصادی از روز پنجشنبه ۲۱ آذر در بروکسل، آغاز شده است. در ادامه این گفتگوها، هیأتی از حقوقدانان اروپایی روز دوشنبه ۲۵ آذر، به منظور بررسی وضعیت حقوق بشر و رابطه رژیم ایران با گروههای تروریستی در منطقه، وارد تهران شدند. همراهی نمایندگان سازمان بین المللی حقوق بشر، عفو بین الملل و دیده بان حقوق بشر، با این هیأت، مورد مخالفت رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و به آنها اجازه ورود به ایران داده نشد. گزارش این هیأت که روز سه شنبه با نمایندگانی از نهادهای رژیم مانند قوه قضائیه، مجلس و وزیر امور خارجه و کمیسیون اصل ۹۰ دیدار کرد، در تصمیم گیری اتحادیه اروپا پیرامون چگونگی روابط تجاری و اقتصادی با رژیم ایران، تأثیرگذار خواهد بود. هیأت بررسی کننده وضعیت حقوق بشر در ایران، به جای بازدید زندانها و گفتگو با مادرانی که فرزندانشان ربوده و به قتل رسیده یا در زندان شکنجه شده اند با کسانی که خود در سیستم قضایی و اطلاعاتی رژیم، امر شناخته می شوند، به گفتمان حقوق بشری پرداخته است. تا زمانی که هیأت اروپایی، زیر عیا و نگین انگشتر ملا و مکلاهای قوه قضائیه و مجلس و وابستگان آنها بخواهد حقوق بشر را جستجو کند، در پیچ و خمهای قوانین ارتجاعی متعلق به اعصار گذشته گرفتار و به ادامه نقض حقوق بشر کمک خواهد کرد. به همین دلیل است که هر زمان که هیأتهای اروپایی بدین منظور در ایران به سر می برند، شلاق در ملا عام و اعدام و دستگیری و سرکوب در شکل علنی آن انجام می شود. مرتجعان بدین وسیله می خواهند قاطعیت حکومت ولایت فقیه را به رخ اروپائیها بکشند. مقامات رژیم، توجه هیأت اروپایی در ایران را به طرح "ممنوعیت شکنجه" که به تصویب مجلس رسیده، جلب کردند. این طرح که برای دومین بار در مجلس رژیم دیروز به تصویب رسید، همه مواردی که به عنوان مصادیق بارز شکنجه ذکر کرده را برای مخالفان نظام و غیر خودی ها، جایز شمرده شده است. بر طبق قانون اساسی، قوانین مدنی و جزایی رژیم استبدادی مذهبی ایران، انگشتان دست افراد قطع، چشمان از حدقه بیرون آورده و زنان سنگسار می شوند. کسانی که قوانین شرع را به نقد بکشند و برای آزادی و دموکراسی فعالیت کنند، محکوم به اعدام می شوند.

اخبار اعتراضهای کارگران و مزدبگیران

کارکنان لوله‌سازی حقوق خود را دریافت نکرده‌اند.

ایسنا - آذر-جمعی از کارکنان لوله‌سازی خوزستان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه خود، صبح امروز، یکشنبه سوم آذر ماه سال جاری، در مقابل حوزه علمیه اهواز دست به تجمع زدند و خواستار ملاقات با نماینده ولی فقیه و امام جمعه اهواز شدند.

حدود ۸۰۰ نفر از کارکنان لوله‌سازی خوزستان در مدت هشت ماه گذشته از دریافت حقوق خود محروم مانده‌اند و امام جمعه اهواز نیز در چند هفته گذشته در خطبه‌های نماز جمعه خواستار دخالت رییس جمهور و وزیر صنایع و معادن برای حل مشکلات آنها شده است.

تجمع کارکنان بیمارستان بهشتی قم

آذر-جمعی از کارکنان بیمارستان شهید بهشتی قم وابسته به دانشگاه علوم پزشکی غیرانتفاعی فاطمی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود طی چند ماه اخیر، صبح امروز در مقابل استانداری تجمع کردند. به گزارش ایسنا، در این تجمع حدود ۵۰ نفر حضور داشتند. یکی از نمایندگان به خبرنگار ایسنا گفت: متأسفانه از اردیبهشت ماه سال جاری حقوق کارمندان پرداخت نشده و چکی هم که برای پرداخت حقوق ما داده شده از سوی بانک برگشت داده شده است. وی تصریح کرد: متأسفانه تاکنون کسی پاسخگوئی ما نبوده و شکایات ما هم در دادگستری در حال پیگیری است.

خبرگزاری کار ایران (ایلنا) و خبرگزاری پاس ایران (ایپنا)

ایسنا - آذر-علیرضا محبوب دبیرکل خانه‌ی کارگر در مورد راه‌اندازی خبرگزاری کار ایران به خبرنگاری دانشجویان ایران (ایسنا) گفت: موضوع کار و اشتغال و مسایل نیروی کار و صاحبان کار در جامعه، موضوع فراموش شده‌ای است و کمتر در اخبار به مشکلات کار، کارگران، صنعت و معضلات مجموعه کسانی که کار می‌کنند، توجه شده است. در حقیقت، تصمیم به راه‌اندازی خبرگزاری کار برای این بود که صدای کار در جامعه‌ی ما

تعطیل تمام شرکتهای وابسته به صندوق حمایت از فرصتهای شغلی

آذر- به گزارش خبرنگار اقتصاد کار خبرگزاری دانشجویان ایران، یکی از اعضای شورای اسلامی کارخانه کفش غزال دورود لرستان که در این تجمع شرکت کرده بود، دلیل تعطیل شدن کارخانه را وجود مدیران ناکارآمد و ناشناخته با ساختار کفش و همچنین مدیران متعدد که هر زمانی بودجه‌ای از صندوق می‌گرفتند و هدر می‌دادند برشمرد.

وی خطاب به مسئولان و مدیران گفت: اگر علت ضرردهی کارخانه، کارگر باشد، ما اعتراف کرده و هیچ حق و حقوقی نمی‌خواهیم، اما مسأله این است که اکنون مدیران نالایق باید پاسخگو باشند.

وی افزود: ما چندین بار در زمان وزارت آقای کمالی به تهران آمدیم و درخواست کمک کردیم، اما کاری انجام نشد تا اینکه امسال کارخانه با ۲۵۰ کارگر و بعد از شش سال کار، تعطیل شد.

کنگره حزب اسلامی کار

آذر- به گزارش ایسنا، پس از برگزاری دومین کنگره‌ی سراسری حزب اسلامی کار در ۲۴ مهرماه سال جاری، اعضای جدید شورای مرکزی این حزب انتخاب شدند.

اعضای شورای مرکزی حزب اسلامی کار به شرح زیر می‌باشد: سید عباس احمدی، نادر قلی بیات، محمد حسین اسلامی، یزدان باغستانی، عباس تقی پور، عبدالرحمن تاج الدین، احمد ترابی، سهیلا جلودار زاده، کاوه جابری، افشین حبیب زاده، داود حمیدی، نصراله دریاییگی، پروانه رضایی، ابوالقاسم سرحدی زاده، محسن سرخو، حسن صادقی، هوشمند صفایی، مهدی صفری یزد، فروغ علیپور، ابوتراب فاضل، محمد کزازلو، حسین کمالی، مهدی کنعانی، مرتضی لطفی، علیرضا محبوب، رضا میرطاهری، جواد معماریان، پرویز نصیری، بهمن یعقوبی.

اعضای علی البدل شورای مرکزی حزب اسلامی کار نیز عبارتند از: حسن اسدی، جنتی اکبری، علی اکبرپروشی، محمد بخشعلی، علی حسینی خطیبانی، حسین رسولی، اسماعیل حق پرستی، نعمت الله سلیمی، مصیب شکرالله زاده، رقیه عبدالهپی، اسرافیل عبادتی، سارا فرزاد، علیرضا محمدی، محمد اسماعیل منتظری، ناصر ناهیدی.

در سومین جلسه‌ی شورای مرکزی جدید این حزب، پس از بررسی و تصویب آیین‌نامه‌ی داخلی شورای مرکزی، برای

تعیین هیات ریسه‌ی شورا رای‌گیری به عمل آمد و ابوالقاسم سرحدی‌زاده به عنوان رییس شورا و عباس تقی‌پور و محسن سرخو به عنوان نواب رییس و آقایان سلیمی و حسینی خطیبانی به عنوان منشی شورای مرکزی انتخاب شدند.

بر اساس این گزارش در ادامه‌ی جلسه نیز به پیشنهاد سرحدی زاده، شورای مرکزی حزب به اتفاق آراء، حسین کمالی را برای یک دوره‌ی سه‌ساله به عنوان دبیرکل حزب اسلامی کار انتخاب کردند.

اعتراض به تصویب لایحه جمع عوارض اعلام کردند.

آذر-خانه صنعت و معدن استان تهران، انون عالی شوراهای اسلامی کار کشور و خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران با انتشار بیانیه‌ای، اعتراض خود را به تصویب لایحه جمع عوارض اعلام کردند.

به گزارش ایسنا، در این بیانیه آمده است: با توجه به اینکه لایحه معروف به جمع عوارض برخلاف صراحت قانون اساسی، در حال تبدیل به قانون تسهیل واردات و تضعیف صنایع داخلی است و با توضیحات غیرواقعی دست‌اندرکاران تصویب آن، سعی می‌شود ذهن مردم شریف از این واقعیات منحرف شود، سه تشکل فوق از تمام کارکنان و صاحبان صنایع که با تصویب جمع عوارض به شکلی که در مجلس مطرح است، موافق نیستند، می‌خواهند رأس ساعت ۱۰ روز سه‌شنبه نوزدهم آذر ماه سال جاری به مدت یک دقیقه سوت کارخانه‌ها را به عنوان اعتراض به لایحه فوق به صدا درآورند. در این بیانیه تأکید شده است: اعتراض به لایحه مزبور در صورت تصویب، مرحله به مرحله تا رسیدن به نتیجه نهایی ادامه خواهد یافت.

اعتراض کارگران کارخانه الیاف شیروان

آذر- کارگران کارخانه الیاف شیروان در اعتراض به تعطیلی کارخانه تجمع کردند.

نریمان حسین‌زاده، نماینده تجمع‌کنندگان کارخانه الیاف شیروان در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایسنا علت تجمع کارگران را درخواست برای بازگشایی کارخانه و دریافت حقوق به تعویق افتاده کارگران اعلام کرد و گفت: کارخانه هر ۱۰ روز یک بار از سوی صاحبان کارخانه تعطیل می‌شد، چرا که قرار بود یکی از دو سهامدار سهمش را بفروشد که در حین قرارداد پشیمان شد.

زنان در مسیر رهایی

لیلا جدیدی

خودکشی زنان روستائی در چین

۲۹ نوامبر، آسوشیتدپرس - یک بررسی تازه در چین بیانگر آن است که سالانه ۲۸۷ هزار نفر از مردم این کشور دست به خودکشی می زنند. این آمار اشاره می کند که اکثر خودکشیها مربوط به زنان روستائی بوده است. چین تنها کشور جهان است که در آن موارد خودکشی در بین زنان بیشتر از مردهاست. از دلایل خودکشی روز افزون در این کشور، فقر، شوینیسیم مردانه، کار زیاد و دیدگاه سنتی زنان چینی که خودکشی بهترین طریق انتقام گیری از شوهر و خانواده است، می باشد. همچنین دسترسی آسان به سموم در روستاها و قوانین سختگیرانه دولت که شامل پرداخت جریمه برای ازدیاد کودک است نیز از دلایل دیگر به شمار می آید. زنان به دلیل بارداری ناخواسته، سقط جنین و عقیم کردن اجباری خود، دچار افسردگی و بیماریهای عصبی شده و دست به خودکشی می زنند.

زایمان زنان فلسطینی در کنار جاده

۱۱ دسامبر، آسوشیتدپرس - پس از شدت یافتن درگیریها بین فلسطینی ها و اسرائیل، در سپتامبر سال ۲۰۰۰، که متعاقب آن اسرائیل عبور مرور فلسطینیها را به شدت تحت کنترل قرار داد، بسیاری از مردم فلسطین با برقراری حکومت نظامی و انسداد جاده ها توسط اسرائیلیها از رفتن به بیمارستان و درمان فوری محروم گشتند. دکتر گال، عضو جامعه پزشکان حقوق بشر می گوید در دو سال اخیر ۳۹ زن بار دار در مقر های انسداد جاده، زایمان کردند. این مشکل و اعتراضات فلسطینیها سبب شد که اخیرا دولت اسرائیل، پزشکان نظامی این کشور را به وسایل زایمان مجهز گرداند. (بدین طریق، زنان فلسطینی در دست افرادی که تخصصی در امر زایمان ندارند و خارج از محیط بهداشتی و مناسب، کودک خود را متولد میکنند)

عید فطر در بنگلادش

۱۱ دسامبر، آسوشیتدپرس - در اثر یک ازدحام ده هزار نفره در بنگلادش، ۴۷ تن که اکثرا زن و کودک بودند، کشته و بیش از ۲۰۰ نفر دیگر نیز زخمی شدند. تجمع کنندگان که بیشتر آنان را زنان و کودکان تشکیل می دادند، برای گرفتن لباس هائی که از طرف تجار محلی به مناسبت روز عید فطر پخش می شد، گرد آمده بودند.

زنان آمریکائی و تجارت خصوصی

۹ دسامبر، گزارش خبری یو-آسوشیتد پرس - وزیر کار آمریکا، ایلین چائو، اعلام کرد که ۵۱ درصد از تجار خصوصی آمریکائی را زنان تشکیل می دهند. در تجارتهای خصوصی غیر کشاورزی، سهم زنان اقلیت های ملی نیز ۲۶ درصد می باشد.

مردان، تنها برندگان جایزه نوبل

۱۰ دسامبر، آسوشیتدپرس - ۹ زن سرشناس سوئدی - نویسنده، روزنامه نگار، و استاد دانشگاه - به اختصاص جوایز نوبل به مردان که مراسم ان امسال در سوئد و نروژ صورت پذیرفت شدیداً اعتراض کرده و آن را شوینستی خواندند. زنان مذکور در یک مقاله نوشتند "سوئد امروز خود را مورد تمسخر جهانیان قرار داد." آنها اضافه کردند که "شرم دارند که سوئد کشوری که در جهان به برابری زن و مرد معروف است "میزبان این شوینیسیم آشکار" که جایزه نوبل به آن تبدیل شده، می باشد.

تغییر مجازات سنگسار

۱۱ دسامبر، آسوشیتدپرس - با این که زنان قانون گذار ایران رابطه خارج از ازدواج را در زمره اعمال جنائی قرار می دهند، تمامی ۱۱ زن از ۲۹۰ نماینده مجلس جمهوری اسلامی ایران، خواهان تغییر مجازات سنگسار هستند. الهه کولائی گفت که آنها به تازگی با مراجع بالای روحانیت که حمایت آنان برای این تغییر ضروری است، دیدن کرده اند. مراجع مزبور معتقد به تقلیل این مجازات بوده و می گویند که این مجازات چهره دولت را خدشه دار کرده است.

(زنان قانونگذار کشور که خود به طور غیر قانونی در جایگاه قانونگذار قرار گرفته اند از مراجع غیر قانونی خواستار قانونی هستند که بیشتر در خدمت حفظ حیثیت بر باد رفته شان است تا دفاع از حقوق واقعی زنان)

زنان اروپای شرقی قربانی قاچاقچیان

۱۱ دسامبر، آسوشیتدپرس - بنا به اسناد ارائه شده به کنفرانس وزرای کشورهای اروپای شرقی، سالانه صدها هزار زن و کودک مورد قاچاق انسانی قرار می گیرند. این اسناد از هفصد هزار تا یک میلیون زن و کودک یاد کرده است که بالغ بر نیم میلیون از آنان از جنوب شرقی اروپا به کشورهای عضو اتحادیه اروپا آورده می شوند. در این کنفرانس تصمیم گرفته شد که به جای چاره جوئی در علل این مشکل، به افرادی که مورد قاچاق قرار گرفته شده اند کمک شود. وزرای این

کشورها بیانیه ای مبنی برالتزام به قانونی کردن وضع این انسانها را به امضا رساندند. قاچاق انسانی، سالانه ۷ تا ۱۲ میلیارد سود نصیب قاچاقچیان می کند و پس از قاچاق



مواد مخدر و اسلحه، سومین مقام را در تجارت جنائی درجهان داراست.

رشد تعداد "قتلهای ناموسی"

۱۱ دسامبر، آسوشیتدپرس - کمیسیون غیر دولتی حقوق بشر پاکستان اعلام کرد که حد اقل ۴۶۱ زن در سال گذشته توسط یکی از اعضاء خانواده خود به دلیل "قتلهای ناموسی" به قتل رسیده اند. این رقم بالاتر از سال گذشته که ۳۷۲ قتل بوده می باشد. جرم زنان عموماً رابط خارج از ازدواج، داشتن دوست پسر، صحبت کردن با مردان، مورد تجاوز قرار گرفتن و یا بد اشپزی کردن بوده است. (دولت پاکستان بارها قول داده است که برای بهبود وضع زنان در این کشور که جمعیت آن به ۱۴۰ میلیون نفر می رسد، کوشش کند)

توقف اکران فیلم زندان زنان

۱۱ دسامبر، ۲۱ آذر، ایرنا - قاسم خالص زاده، معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قم، ضمن اعلام توقف اکران فیلم سینمایی "زندان زنان" در این شهر گفت: به دلیل اعتراضات علماء، بیوت مراجع عظام، طلاب و بسیجیان قم این اقدام صورت گرفت. این فیلم همچنین در چند شهر از جمله اصفهان، شیراز و کرج نیز به دلیل همین حساسیتها با ممنوعیت اکران روبرو شده است. سعید حسینی، یکی از مسئولان سینمای استقلال با اشاره به اینکه استقبال مردم قم طی چهار روز نمایش این فیلم کم سابقه بوده است، یادآور گردید: طی این مدت تماسهای تهدید آمیزی از سوی برخی افراد مبنی بر آتش زدن سینما گرفته شد.

زنان بیشترین متقاضیان کار

۱۳ دسامبر، ۲۳ آذر، روزنامه جام جم - دکتر رحیمی، رییس سازمان سنجش و آموزش کشور، با اعلام اینکه ۶۴ درصد شرکت کنندگان در اولین آزمون اداری را زنان تشکیل می دهند گفت: در ۳ سال آینده، ۷۵ درصد متقاضیان کار در کشور، زنان خواهند بود. وی افزود: در آزمون سراسری سال ۸۱، ۳۴۰ هزار و ۸۷۶ نفر داوطلب شده اند که ۲۱۸ هزار و ۲۴۲ نفر آنها زن و ۱۲۲ هزار و ۶۳۲ نفر مرد هستند.

حذف رشته تاریخ زنان در دانشگاه

سایت اینترنتی womeniniran.com

رشته تاریخ زنان بدون اطلاع عموم و درج در دفترچه کنکور، از مجموعه رشته های مطالعات زنان حذف شده است. این در حالی است که در دفترچه کنکور این رشته به عنوان یکی از رشته های قید شده بوده که داوطلبان می توانستند در آن ثبت نام کنند. مرکز مطالعات زنان دانشکده علوم اجتماعی و مسئولان گروه مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس نسبت به علت این امر ابراز بی اطلاعی کرده اند.

گفتی است که از ابتدای بحثهای تاسیس رشته مطالعات زنان در دانشگاههای ایران قرار بود که این رشته در دو گرایش "اجتماعی-روانشناسی" و "تاریخ" تدریس شود اما سال گذشته این رشته تنها در دو گرایش "زن در اسلام" و روانشناسی عرضه شد.

آپارتاید جنسی در انتخاب رشته تحصیلی

سایت زنان ایران - تنها ۷۲ رشته دبیرستانی برای ادامه تحصیل دختران وجود دارد. این در حالی است که پسران پس از اتمام دوره راهنمایی می توانند در ۲۱۰ رشته ادامه تحصیل دهند. حمیده عدالت، نماینده مردم تنگستان ضمن اعلام این موضوع به خبرنگار "زنان ایران" یادآور شد: به جز سه رشته نظری (ریاضی فیزیک، علو تجربی و علوم انسانی) بقیه این رشته ها مربوط به کار و دانش هستند که دختران در بیشتر آنها محروم از ثبت نام و ادامه تحصیل می باشند. مثلاً در رشته ای مانند طلا سازی که مشتریان آن نیز معمولاً خانمها هستند، برای دختران جای وجود ندارد.

در باره‌ی طرح جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی

کریم قسیم

صحیح نباشد به این نکاتی که قابل تغییر هستند پرداخته شود.

س: آقای دکتر بفرمائید که به نظر شما به انجام رسیدن این طرح یعنی طرح یک جبهه فراگیر چقدر عملی است و برای رسیدن به این جبهه فراگیر در مقابل این رژیم استبدادی- مذهبی چه باید کرد؟

ج: عرض کنم این بسته فقط به ما نیست. ما آن چه که به عنوان شورای ملی مقاومت از دستمان بر می آید این بود که بقول معروف از روی سایه هایی که در واقعیت امر همیشه وجود دارد عبور بکنیم و اسیر محدودیتهای تاریخی نمانیم. شورای ملی مقاومت یک مجموعه استوار، از آب گذشته و آبدیده است که می توانست بدون این طرح هم در شرایط دشوار به کار خودش ادامه بدهد. موانع به اصطلاح استراتژیکی سر راهش وجود نداشت اما موانعی که در واقع دشمن آفریده، موانعی که تاریخ آفریده، برای این شورا و برای به خصوص مسئول شورای ملی مقاومت و رهبریت در واقع این نهضت گسترده که شورای ملی مقاومت بخش سازمانیافته آن است این سوال را پیش می آورد که در شرایط فشار همه جانبه سیاسی آیا بایستی به توده مردم، به مبارزان راه آزادی، به صفوف هر چه بیشتر آنها رو آورد یا این که در درون خود بیشتر منقبض شد و همانطور که در مقدمه صحبت عرض کردم ما راه گسترش، راه چشم انداز باز را ترجیح دادیم ولی این که در چه قدمهای عملی می شود یک چنین طرحی را محقق کرد، این نه تنها به گام اولیه اساسی که شورا برداشته محدود و مشروط می شود بلکه به دیگرانی هم محدود و مشروط و وابسته هست، به آنها هم مربوط هست و اصل این که ما دیگران را مطرح کردیم و در پایان بیانیه شورا در واقع صحبت از این شده که همه را به یک آزمایش جدیدی فرامی خواند، از این روست. اصل قبول دیگران را اعلام کردن به نظر من خودش در واقع یک گام بسیار مثبتی است که هم بلحاظ سیاسی و هم به لحاظ روانشناسی رفتار یک دعوت جدیدی است و بسیاری از اتهاماتی که چه به سازمان مجاهدین، چه به شورای ملی مقاومت می زدند، چه با غرض و مرض و چه حتی با سوء تفاهم که آیا اینها فقط فکر خودشان هستند، انحصار طلبند، اصلا دیگرانی را به مفهوم دیگران پذیرا نیستند و نه تنها الان، در آینده مملکت هم پذیرا نیستند، با این طرح در واقع همه این

کننده و اعتماد به نفس شورای ملی مقاومت در مسیر سرنگونی و الزامات آن می باشد.

س: آقای دکتر همان طور که می دانید شورای ملی مقاومت تشکیل شده از سازمانهای گوناگونی است، اگر بناست این جبهه همبستگی یک جبهه فراگیرتر باشد، در این جبهه فراگیر آیا شورا را شما به عنوان یک مجموعه پیشنهاد می کنید در این جبهه عضو شود یا این که سازمانهای تشکیل دهنده این شورا که به جز سازمان مجاهدین خلق، سازمانهای دیگری هم هستند، آنها آیا می توانند به طور مستقل در این جبهه شرکت کنند یا این که در چهارچوب همان شورا خواهد بود؟

ج: عرض کنم که شما روی نکته ای انگشت گذاشته اید که اظهار نظر در باره آن، به نظر من بهتر است که به اولین گردهمایی جبهه محول شود. اگر توجه بفرمائید در ماده سوم طرح جبهه همبستگی ملی این نکته اشاره شده که اولین گردهمایی جبهه به بحث و گفتگو در باره همه مسائل جبهه از جمله بررسی و تصویب عضویت، تنظیم و تصویب آئین نامه ها و غیره می پردازد. عنایت دارید که این نکته ای که شما عنوان می کنید در واقع یکی از محورهای عملی و کار تشکیلاتی این جبهه خواهد بود که از پیش داوری یا از پیش بحثی در باره آن، بنده معذورم. یعنی در واقع خودم شخصا ترجیح می دهم که اگر نظری در این مورد دارم که عرضه کنم بهتر است در همان اولین گردهمایی باشد، چون باید توجه داشته باشیم بلحاظ سوابق سوء تفاهماتی که همیشه بوده و انواع و اقسام در واقع این سوء تفاهمات مانع از حصول پیوندهایی که از نظر اساس ممکن پذیر می بودند ولی بدلیل ایجاد سوء تفاهمات دائما آسیب می دیدند، بهتر است که اگر یک همچنین طرحی پیشنهاد می شود جوانب عملی و اجرایی کار از همان اول، از همان قدم نخست همه چیز در حضور همه آن کسانی که می پیوندند یا مایل هستند پیوندند یا فرض بفرمائید قدم اول را نزدیک شدند انجام بگیرد و در همانجا مطرح شود. البته هر کسی بخصوص افراد قدیمی، آراء و نظرات خودشان را دارند و بنده هم از همین زاویه پیشنهادات و بحثهایی خواهم داشت و عنوان خواهم کرد ولی گمان می کنم که قبل از آن که در آن جلسه مطرح کنیم، در ملاء عام و در افکار عمومی و در یک مصاحبه رادیویی

گفتگوی جعفر پویه از جنگ صدا با دکتر کریم قسیم، عضو شورای ملی مقاومت ایران

س: بفرمائید با وجود شورای ملی مقاومت چه ضرورتی پیش آمده که شما جبهه همبستگی ملی را به دیگر نیروها پیشنهاد می کنید؟

ج: به عنوان مقدمه بگویم که چه بلحاظ فشارهای بین المللی و منطقه ای که بر روی مقاومت هست و چه به لحاظ دشواریهایی که در روابط خارجی به دوش جنبش مقاومت ایران، در شرایط بسیار دشواری قرار داریم. در شرایطی که جنبش مقاومت قرار دارد و به خصوص شورای ملی مقاومت و در محور آن سازمان مجاهدین خلق ایران، باید چه کرد؟ بایستی بیشتر منقبض شد؟ بیشتر درون گرا شد؟ بیشتر به فکر حفظ خود بود یا بایستی شرایطی را فراهم کرد که در عین باز شدن چشم انداز، پیوند و گسترش پیوندها با مردم آزادخواه، با جمهوریخواهان مبارز چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور بیشتر بشود و از این طریق اصالت یک جنبش مقاومت هم باری جدید به اثبات برسد و هم در مجموع یک قدم به جلو و یک خیز به جلو در مسیر سرنگونی برداشته شود. مقاومت ایران جنبش اصلی است، سابقه طولانی دارد، ریشه های عمیقی در اجتماع دارد، به دفعات نشان داده که در شرایط دشوار و پیچیده همیشه از طریق انبساط ملی، انبساط مبارزاتی، باز شدن بروی همکاریها و گسترش پیوندها، مشکلات را از سر راه برمی دارد، این بار هم به نظر من طرح جبهه همبستگی، به موقع جواب بسیار مهمی به تلاشهای مذبوخانه این رژیم بود جهت منقبض کردن، منزوی کردن و بستن راه به مقاومت ایران و در واقع به فعالیتهایی که در جهت سرنگونی استبداد مذهبی و رژیم ولایت فقیه انجام می گیرد. این طرح به مثابه یک پرچم مبارزاتی و یک دعوت به همبستگی بیشتر و دعوت به آزمایش جدید همکاری عنوان شده و مشخصات بارز و برجسته ای دارد که فراسوی تمام طرحها و برنامه های قدیمی شورا، امکانات تازه ای را در واقع بر آن اساس برای گسترش هر چه بیشتر فعالیتهای مبارزاتی و حصول همکاری با نیروهای جمهوریخواه آزادخواه چه انتقادی به شورا و چه انتقادی به سازمان مجاهدین خلق داشته باشند، به وجود می آورد. محورهای در واقع مبارزاتی برجسته شدند و از این نظر، به نظر من بسیار به موقع هم عنوان شد و نشانه ای از اصالت طرح

اتهامات منتفی است، اگر نگوییم که دود شده و هوا رفته - چون در واقعیت به این سادگی از بین نمی رود - ولی می توانم بگویم که به جد منتفی است یعنی کنار گذاشته شده و دیگر اصلا مسأله ما نیست. مسأله ما این است که چه قدمهای عملی دیگران برمی دارند تا متناسب با آن قدمهای عملی شورای ملی مقاومت و هر یک از اعضا آن به ترتیبی واکنش مثبت نشان داده و جواب یک قدم مثبت را با دو گام مثبت بدهند. آن چیزی که در توان ماست این است که با آغوش باز به همکاری دعوت کنیم و همین کار را هم کرده ایم. این که دیگران که در این طرح در واقع صحبت از همکاری با نیروهای سیاسی با همین مصداق و با همین جمله بندی هست چه کار خواهند کرد، آیا اصلا اقدامی خواهند کرد یا واکنش فقط عاطفی نشان خواهند داد یا حرفی خواهد بود و اقدام عملی نخواهد آورد، اینها را خواهیم دید. از نظر سیاسی مسئولیت ایجاب میکرد شورای ملی مقاومت انجام داده و از هم اکنون به بعد مسئولیت در واقع بر دوش آن دیگران هم هست، همه دیگرانی که خودشان را تاکنون یک نیرو یا فرد سیاسی صاحب مسئولیت تلقی می کنند.

س: آقای دکتر بفرمائید که شما فکر می کنید اعلام این طرح چه تاثیری می تواند بر روند مبارزاتی مردم بگذارد؟

ج: من فکر می کنم که بنا بر سوابق طولانی که از روانشناسی مبارزاتی صد ساله اخیر می شناسیم، مردم ایران همیشه روی خوش نشان دادند، اگر فراموش نکنیم و نکرده باشیم از همین روحیه و روانشناسی سابقه دار و ریشه دار مردم ایران بود که خمینی به سبب خودش با شعار همه با هم نهایت سوء استفاده کرد و آن هم با یک شعار همه با هم میهم که در واقع همه با من بود! ما البته در نقطه مقابل آن ریاکاری که از سر گذراندیم و تاریخ در باره آن قضاوت سختی خواهد کرد، در نقطه مقابل آن خیلی روشن از همان ماده اول موضع خودمان را روشن کردیم. شورای ملی مقاومت، التزام به برنامه ها و طرحهای خودش را حفظ می کند. با وجود این، جهت گسترش مبارزه و برانگیختن مبارزه برای سرنگونی استبداد مذهبی یک طرح جبهه گسترده را هم پیش می کشد و در چهارچوب این جبهه آماده همکاری با دیگر نیروهای سیاسی است. نوشتیم و گفتیم و پیشنهاد کردیم یعنی در همان ماده اول دیگر نیروهای سیاسی را پذیرفتیم، وجودشان را و دعوت به یک بقیه در صفحه ۸

پرسش و پاسخ در باره‌ی طرح جبهه همبستگی ملی

(۱)

مهدی سامع

از وقتی طرح پیشنهادی شورای ملی مقاومت ایران برای ایجاد جبهه همبستگی ملی منتشر شده نامه های زیادی دریافت کرده ام که در تعدادی از این نامه ها سوالهایی پیرامون این طرح مطرح شده است. برای همه ی این هموطنان پاسخی کوتاه و خصوصی فرستاده ام و قول داده ام که به ترتیب در نبرد خلق به بعضی از سوالها که به مساله جبهه ربط پیدا می کند در حد توانم پاسخ گویم و البته با این توضیح ضروری که موضوع رسمی شورا به وسیله مسئول شورا بیان می شود. اکنون الوعده وفا و البته پاسخ به سوالهایی که به این طرح مربوط نیست به ویژه آن دسته از سوالهایی که به سازمانهای عضو شورا بر می گردد را به فرصتی دیگر واگذار می کنم. سعی من بر این است که سوالها را دسته بندی کنم و با وجود آن که در چند مصاحبه به مهمترین مسایل مربوط به جبهه پاسخ گفته ام، باز هم به خاطر روشن شدن مسایل به مهمترین آنها می پردازم.

سوال اول- چه رابطه ای بین ماده یکم و سوم این طرح وجود دارد؟ آیا این دو ماده متناقض نیست؟ آیا اگر این جبهه تشکیل شد و در آن در دمکراتیکترین شکل تصمیمگیری، نظری تصویب شد که با مصوبات قبلی شورا همخوانی نداشته باشد و یا متفاوت باشد و یا حتی در تناقض قرار داشته باشد، آیا شورا به این نظر جبهه ملتزم می شود و یا به نظر قبلی خود پایبند می ماند؟

توضیح-دوستان و هموطنانی که این سوال را مطرح می کنند، (البته با لحن و ادبیات مختلف و در مواردی بسیار پرخاشگرانه) مطرح می کنند که اگر بر اساس ماده یک این طرح، شورا « بر التزام اعضای خود در قبال برنامه شورا و دولت موقت و طرحها و مصوبات و ساختار سیاسی» خود تاکید می کند، چگونه در ماده سوم این طرح مطرح می کند که: « اولین گردهمایی جبهه، به بحث و گفتگو در باره همه مسایل جبهه از جمله بررسی و تصویب عضویتها، تنظیم و تصویب آئین نامه های لازم و انتخابات درونی جبهه می پردازد.»

پاسخ-در ابتدا نظرم را در مورد دو نکته به طور صریح و روشن بیان

می کنم. نکته اول این که این طرح با ماده دوم آن تعریف می شود و در حقیقت مضمون آن از طریق ماده دوم آن تعریف می شود و بنابراین در صورت تشکیل این جبهه ما بر سر مسایلی که با ماده دوم این طرح در تضاد و تناقض باشد سازش و گذشت نخواهیم کرد. و نکته دوم این که چه جبهه همبستگی ملی تشکیل شود و چه نشود، شورای ملی مقاومت بر طبق اصل دوم این طرح همه «نیروهای جمهوری خواهی را که با التزام به نفی کامل نظام ولایت فقیه و همه جناحها و دسته بندیهای درونی آن، برای استقرار یک نظام سیاسی دموکراتیک و مستقل و مبتنی بر جدایی دین از دولت مبارزه می کنند» و به دنبال «تبلیغ به سود حاکمیت آخوندی و هر یک از جناحهای آن و مذاکره و برقرار کردن رابطه با آنها» نیست را

اما در مورد آنچه بعضیها تناقض بین ماده یک و ماده سوم طرح می گویند، و مطرح می کنند که شورا باید ابتدا از همه اسناد و مصوبات و تصمیماتش چشم بپوشد و سپس وارد جبهه شود، باید پرسید آیا اگر دیگرانی هم که بخواهند وارد جبهه شوند باید چنین کاری کنند، یا این کار را فقط باید شورا انجام دهد. اگر همه نیروهای تشکیل دهنده جبهه باید قبل از تشکیل جبهه از نظرات خود چشم بپوشند، در این صورت آن چه تشکیل می شود دیگر نه جبهه، بلکه «حزب واحد» است که شورا به دنبال تشکیل آن نیست. شرکت در جبهه به معنی دست برداشتن هیچ نیرویی از اندیشه ها و طرحهای خودش نیست، بلکه به معنی این است که نیروهای سیاسی ضمن حفظ استقلال سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی خود بر سر یک سلسله موارد با هم به توافق می رسند که همگی نسبت به آن متعهد و ملتزم می شوند.

اما اگر انهایی که این تناقض را کشف کرده اند، فقط از شورا(البته معمولاً از مجاهدین خلق) می خواهند که از همه اسناد و تصمیماتش چشم بپوشد و سپس وارد جبهه شود، باید گفت در این صورت دیگر نیرویی نمی ماند که بخواهد وارد جبهه شود. چرا که نیروی سیاسی با برنامه ها و مصوبات و تصمیماتش شناخته می شود.

شاید هم کاشفان این تناقض اعتقاد دارند که سازمان مجاهدین خلق و یا همه اعضای شورا باید اول انحلال شورای ملی مقاومت را اعلام کنند و

سپس طرح تشکیل جبهه اعلام شود. در این رابطه هم باید گفت این خواست نقض اساسی ترین مبانی دمکراسی و حق تشکیل فراکسیون و جناحندی در جبهه است و تازه همه کسانی که این چنین طرح «مشعشعانه» ای را مطرح می کنند نمی گویند که چه اشکالی برای ایجاد جبهه ای که یک عضو آن شورای ملی مقاومت باشد وجود دارد.

شاید این گونه فکر می شود و یا این نگرانی وجود دارد که جبهه نمی تواند تصمیمی بگیرد و یا طرحی را تصویب کند و یا چیزی را در سازماندهی درونی اش تصویب کند که با تصمیمات گذشته شورا در تناقض و یا با آن زاویه داشته باشد.

در این رابطه باید گفت که اولاً در خود شورای ملی مقاومت هم هر تصمیم جدید که با تصمیمات گذشته در تناقض باشد، تصمیمات گذشته را نقض می کند. به طور مثال در زمانی سازمانهای عضو شورا در تصمیمات آن حق وتو داشتند و کلیه اعضای شورا و منجمله شخصیتهای عضو شورا به آن ملتزم بودند. چند سال پیش شورا با یک مصوبه این حق را از سازمانهای عضو شورا گرفت و بنابر این اعضای شورای ملی مقاومت به تصمیم جدید ملتزم هستند. از این گونه تغییر تصمیمات بازهم وجود دارد. بنابراین اگر در جبهه همبستگی مورد بحث که شورا هم عضو آن باشد تصمیماتی گرفته شود. شورا به این تصمیم ملتزم خواهد بود. به طور مثال اگر در جبهه مورد بحث، طرحی در مورد رفع تبعیض جنسی تصویب شود که با طرح شورا اختلاف داشته باشد، شورا به طرح مصوب جبهه ملتزم می شود. در موارد دیگر و منجمله در مورد دولت موقت و سازماندهی آن نیز همین امر مساله صادق است. همان طور که برای دیگر اعضای جبهه مورد بحث هم این امر صادق است. پس ملاحظه می شود که هیچ تناقضی بین ماده اول و سوم طرح وجود ندارد و اگر تناقضی به طور واقعی وجود دارد در ذهن کاشفان این تناقض وجود دارد که حاضر نیستند با یک ذهن منظم و بدون تناقض و پیشداوری با این طرح برخورد و یا آن را مورد سوال و نقد قرار دهند و بنابراین زمین و زمان را به هم می بافند تا به اصل موضوع که پرداختن به آن مستلزم جدیت و آمادگی برای پرداخت هزینه است وارد نشوند.

ادامه دارد

مصاحبه جنگ صدا

بقیه از صفحه ۷

آزمایش جدید کردیم، یعنی در واقع اصرار روی همبستگی ولی بصورت روشن. ما هستیم با این مواضع و دیگران هم هستند با مواضع خودشان ولی فراسوی آنها می شود برای سرنگونی استبداد مذهبی به اتحاد عمل، به اتفاق عمل، به اتحاد مبارزاتی رسید و در واقع چکیده این اتحاد را هم در بند بعدی با شعار جدایی دین از دولت که به نظر من اساس این طرح همین است و اگر ما بخواهیم بگوئیم که مملکت یک شعار دارد، جدایی دین از دولت، این است شعار ملت.

آقای دکتر شما چشم انداز جنبش را در مجموع و چشم انداز این طرح را مشخصاً بفرمائید چگونه می بینید؟

ج:وقتی اقدامی جدی از طرف شورای ملی مقاومت انجام می گیرد، با اطلاعیه رسمی مسئول شورای ملی مقاومت عنوان می شود و از طرف خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت برای دوران انتقال حاکمیت به ملت ایران مورد تبریک قرار می گیرد یعنی همه چیز از نظر این جنبش بسیار جدی مطرح می شود بنابراین از هر تلاشی در این جهت برای محقق شدنش ما رویگردان نخواهیم بود و هر چه امکان باشد برای حصول نتیجه اقدام خواهیم کرد اما بستگی به دیگران هم دارد. بلحاظ چشم انداز سوال کردید البته که ما امید و آرزو و اقدام عملی خواهیم داشت و داریم و در این جهت تلاش هم خواهیم کرد ولی تاریخ همیشه آستان حوادثی است که ما از پیش نمی توانیم جزء به جزء آنها را پیش بینی و پیش گوئی کنیم و من تردیدی ندارم - بنابر تجربه - که با دشواریهای گوناگونی روبرو خواهیم شد. دشمن هم بیکار نخواهد نشست و اهرمهای گوناگون خودش را به حرکت خواهد انداخت و تلاش خواهد کرد که این کار صورت نگیرد ولی مبارزه با این رژیم مبارزه ای است که در هر جبهه ای ما از گذشته ای دور با آن آشنا هستیم و باید در جهت تحقق این طرح هر کاری از دستان بر می آید انجام بدهیم و البته باز هم تکرار می کنم مسئولیتی هم بر دوش دیگر نیروهای سیاسی و مبارزان جمهوریخواه هست که از این فرصت درخشان که در شرایط دشواری پیش آمده به بهترین وجهی استفاده کنند و مسئولیت تاریخی خودشان را به نحو احسن انجام بدهند. امیدوارم که آنها هم با حسن نظر، با امیدواری و با گامهای عملی به تحقق این طرح به نفع ملت ایران در جهت سرنگونی استبداد مذهبی و تحقق آن شعاری که عرض کردم خواست ملت است (جدایی دین از دولت) که در واقع سرنگونی و همه خواسته های ما در آن مستدل هست گامی به جلو بردارند و از انفعالها و از خرده گیریهای کوچک و بزرگ در گذرند و بیشتر به همبستگی عملی رو بیاورند. توضیح نبردخلق: این مصاحبه از متن گفتاری به نوشتاری تبدیل شده داشت.

مافیای مولتلفه و اتاق بازرگانی

م-حیبی

سازمان بین‌المللی کار (ILO) و نقض حقوق کارگران ایران

بنا به گزارش خبرگزاریها، «مانوئل سیمون ولاسکو»، مدیر دفتر فعالیتهای کارگری سازمان بین‌المللی کار بعد از ماه ژانویه میلادی به ایران خواهد رفت. وی در این سفر به مذاکره با تمام نهادهای کارگری دولتی جمهوری اسلامی، منجمله خانه کارگر که یک تشکیلات کاملا دولتی است خواهد پرداخت.

این سفر که پس از دیدار «کری تایپولار»، معاون سازمان بین‌المللی کار، «برنارد جزنیگان»، رییس شاخه آزادی انجمن در ILO، و «کارن کرتیس»، رییس اداره آزادی انجمن سازمان بین‌المللی کار در روزهای ۲۷ سپتامبر تا سوم اکتبر سال ۲۰۰۲ میلادی انجام می‌شود، بر اساس تصمیم سازمان بین‌المللی کار برای تهیه یک گزارش در مورد نقض حقوق کارگران در ایران صورت می‌گیرد. وزارت کار و امور اجتماعی برای این که رژیم ایران در لیست سیاه سازمان بین‌المللی کار قرار نگیرد قول همکاری با این سازمان را داده است.

پیروز سعادت، مدیرکل روابط بین‌الملل وزارت کار و امور اجتماعی، در روز ۲۲ آذر به خبرنگار ایسنا گفت، توافق وزارت کار و امور اجتماعی و معاونت گفت‌وگوهای اجتماعی سازمان بین‌المللی کار را مبنای همکاری کارشناسان این سازمان در بررسی قانون کار و روند جاری آن اعلام کرد.

پیروز سعادت همچنین در روز ۲۶ آذر اعلام کرد که، توافق اصولی بین وزارت کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی ایران با معاونت گفت‌وگوهای اجتماعی سازمان بین‌المللی کار حاصل شده است و بر اساس آن به منظور تقویت و گسترش گفت‌وگوهای اجتماعی شورای مشاوره ملی کار در استانها تشکیل خواهد شد.

همچنین بر اساس این توافقها، نشست چندجانبه با حضور نمایندگان سازمان بین‌المللی کار، کنفدراسیون جهانی کارگری ICFU و کنفدراسیون جهانی کارفرمایی IOE نخستین بار در تهران به بررسی جهانی شدن و ضرورت ساماندهی روابط کار جدید در ایران خواهند پرداخت. این نشست با عنوان روابط کار جدید صنعتی در شش ماه اول سال ۸۲ برگزار خواهد شد.

خبرگزاری ایسنا در روز ۲۷ آذر طی یک گزارش خبری اعلام کرد که، با امضای یادداشت تفاهم میان وزارت کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی ایران و مرکز آموزش بین‌المللی وابسته به سازمان بین‌المللی کار، کمیته‌ای متشکل و مرتبط با نمایندگان وزارت کار و امور اجتماعی، موسسه کار و تامین اجتماعی ایران و مرکز آموزش بین‌المللی سازمان بین‌المللی کار در تورین به منظور افزایش همکاریها و توسعه روابط کار و منابع انسانی تشکیل می‌شود. بر اساس این خبرتفاهم‌نامه مزبور بیست و یکم نوامبر سال ۲۰۰۲ میلادی به امضای محمد سلامتی، معاون هماهنگی و امور بین‌الملل وزیر کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی ایران و فرانسویس ترامود، مدیر مرکز آموزش بین‌المللی وابسته به سازمان بین‌المللی کار رسیده است.

مذکور، به دلیل اشکال تراشیهی گوناگون علیرغم گذشت سالها هنوز با مشکلات متعددی مواجه است به طوری که در حال حاضر هشت تا ده میلیارد تومان به سیستم بانکی بدهکار است. وضعیت در عرصه واردات چای و محصولات نساجی نیز بسیار نگران کننده است. این واردات در حالی صورت می‌گیرد که، چای و محصولات نساجی تولیدی در داخل، که حاصل زنج و زحمت کشاورزان و کارگران ایرانی است بدون خریدار در انبارها باقی می‌ماند، و آینده‌ای این طبقه زحمت کش را در ابهام قرار می‌دهد.

هیات ریسه اتاق بازرگانی به نماینده‌گی از بازار سنتی ایران، در غالب فراماسیون سیاسی جمعیت مولتلفه‌ای اسلامی، با در دست داشتن رانتهای اطلاعاتی، نقش به‌سزایی در اعمال سیاستهای ضد تولیدی در ایران داشته و اقتصاد ایران را هر چه بیشتر به سمت یک اقتصاد تجاری-دلالی سوق داده است. نتیجه بلافصل این سیاستها، بیکاری روزافزون کارگران و ورشکستگی واحدهای تولیدی در ایران بوده است.

هسته اولیه اتاق بازرگانی پس از قیام، در غالب کمیته‌ای مرکب از عسگراولادی و خاموشی و بهشتی تشکیل شد. ریاست اتاق بازرگانی را خاموشی به عهده گرفت که طی چهار دوره چهار ساله، ریاست این نهاد را به عهده داشت. گروه مولتلفه‌ی اسلامی با حضور پر نفوذ خود در نهادهای اقتصادی نظیر وزارت بازرگانی و اتاق بازرگانی، با به حراج گذاشتن سرمایه‌های ملی و امتیاز دادن‌های فراوان حتی در زمینه تاثیرگذاری در سیاست خارجی نیز صاحب نفوذ بوده است. مواردی از این تاثیرگذاری از زبان خاموشی به این شرح است:

«اولین بار در زمان نخست وزیر رجایی بود، در زمینه خرید نفت نفت ایران توسط ژاپنیا، در آن زمان ابزار سیاسی کار نکرد. ما هیاتی را بنا به درخواست مسئولان وقت به ژاپن بردیم و قضایا را رفع و رجوع کردیم و مشکل حل شد.

در هنگام بحران روابط بین ایران و فرانسه که قرار بود سفیرهای دو کشور به کشورهای متبوع خود برگردند، در آن مقطع تنها خطی که باقی مانده بود اتاق بازرگانی بود و فعالیت ما باعث شد که مقامات فرانسوی مجدداً به ایران بیایند و مشکل برطرف شد. بعد از مدت‌ها که ما با انگلیس تقریباً در حالت قطع رابطه بودیم و رابطه دو کشور خیلی ضعیف بود اصلاً دو کشور سفیر نداشتند. از من خواسته شد و من هیاتی را به انگلیس بردم و بعد از مذاکرات روابط برقرار شد. در مورد مصر نیز اتاق بازرگانی وارد عمل شد، ما تقریباً با مصر قطع رابطه بودیم و برای شروع هیاتی را به قاهره بردیم و روابط برقرار شد. عربستان هم همین حالت را داشت، بعد از آن دعوای من هیاتی را به عربستان بردم و مذاکرات آغاز شد و روابط حسنه شد.»

حاصل کلام این که، با توجه به نفوذ عمیق باند مافیایی مولتلفه بر ارکانها و نهادهای حساس حکومتی، نباید در انتظار تغییرات جدی در سیاستهای آینده‌ای اتاق بازرگانی، حتی به رغم تغییرات احتمالی افراد در هیات ریسه این نهاد بود.

پنجمین دوره انتخابات اتاق بازرگانی و هیات ریسه آن در اسفند ماه جاری برگزار می‌شود. ماده پنج قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران مصوب سال ۱۳۶۹ به حدود و اختیارات و وظایف اتاق بازرگانی اختصاص دارد. که برخی از مهمترین این وظایف، به شرح زیر است:

« - ایجاد هماهنگی و همکاری بین بازرگانان و صاحبان صنایع و معادن و کشاورزی در اجرای قوانین مربوطه. ارائه نظر مشورتی در مورد مسائل اقتصادی کشور اعم از بازرگانی و صنعتی و معدنی و مانند آن به قوای سه گانه. کوشش در راه شناسایی بازار کالاهای صادراتی ایران در خارج کشور و تشویق و کمک به موسسات مربوطه جهت شرکت در نمایشگاههای بازرگانی داخلی و خارجی. ایجاد و اداره مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی به منظور انجام وظایف و فعالیت‌های اتاق بازرگانی تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاری داخلی در امور تولیدی بالاخص تولید کالاهای صادراتی که دارای مزیت نسبی باشند.»

آن گونه که در شرح وظایف این نهاد آمده است، اتاق بازرگانی بایستی که در امور ترویج سرمایه‌گذاری به خصوص در امور تولیدی و ارائه طرحهای تولیدی و صنعتی و آمار و اطلاعات مورد نیاز دیگر ارکان اقتصادی کشور، مشاوره بدهد. امری که در کارنامه بیست و سه ساله این نهاد، بخصوص در عرصه تولیدی و صنعتی نه تنها کمتر دیده می‌شود بلکه حتی به عنوان عامل سدکننده‌ی طرحهای تولیدی و صنعتی نقش بازی کرده است. واقعیت این است که، بیان کار نهاد مزبور طی سال‌های اخیر، حکایت از آن دارد که گرایش عمده‌ی اتاق بازرگانی به فعالیتهای سوداگرانه آنهم از نوع تجاری-دلالی به خصوص در عرصه واردات بیش از فعالیتهای تولیدی و صنعتی بوده است. در سالهای برنامه اول، واردات کشور سالانه بیش از بیست و دو میلیارد دلار بود که متعاقب کاهش بهای نفت و بحران بدهی‌های معوقه، جامعه ایران بحران تورم ۵۰ درصدی را تجربه کرد. این روند با اندکی کاهش برای سال‌های بعد، سالانه بین ۱۷ تا ۲۰ میلیارد دلار کالا را وارد کشور کرده است. نکته‌ی دیگر ترکیب این واردات است، که از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است. اگر قسمت عمده‌ی واردات، کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای باشد، می‌توان از آن به عنوان رشد و تولید در امر صنعت یاد کرد، ولی اگر ترکیب این واردات به سمت کالاهای مصرفی ضروری نبوده و یا کالاهایی که علیرغم سرمایه‌ای و واسطه‌ای بودن، توان تولید آن در داخل باشد، این نوع واردات ماهیتی ضد تولیدی داشته و به عنوان عاملی در جهت نابود کردن ظرفیتهای تولیدی واحدهای تولیدی داخل کشور خواهد بود. در عمل نیز طی این سالها ما با واردات بی‌رویه که با هماهنگی اتاق بازرگانی انجام می‌شد بیشتر مواجه بوده ایم. مواردی از واردات شکر و چای و فولاد و محصولات نساجی و خودرو و... از این جمله‌اند. به عنوان مثال ایران سالانه یک میلیون و صد و پنجاه هزار تن شکر وارد می‌کند که هشتمین وارد کننده شکر در جهان محسوب می‌شود. در همین راستا، اتاق بازرگانی در حمایت از دلالتان و سوداگران و واردکنندگان، حتی کار را به جایی رساند که با تهیه گزارشی، طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی را، در مقطعی خاص مورد سنووال قرار داد. البته کارخانه

دهم دسامبر سالگرد میثاق جهانی حقوق بشر

حقوق بشر در ایران

شهناز بیات

و کودکان جزء مایملک خصوصی

پدران محسوب می‌شوند.

اقلیتهای مذهبی - آنها که ظاهراً

در قانون اساسی به رسمیت

شناخته شده‌اند - ارمنی، کلیمی و

زرتشتی، عملاً از ابراز وجود ناتوانند و باید در جامعه هم

چون مسلمانان شعائر «اسلامی» تحمیلی را رعایت کنند.

اکثر آنها در طی ۲۳ سال حکومت شرع، از ایران مهاجرت

کرده‌اند. در حالی که جمعیت ایران رشد صعودی داشته،

جمعیت اقلیتهای کم و کمتر از گذشته شده است. سنی مذهبیها

اصلاً در اداره امور به کار گرفته نمی‌شوند و حتی برداشتهای

متفاوت از خود مذهب شیعه هم پذیرفته نمی‌شود.

اما در مورد افرادی که هیچ مذهبی ندارند و یا متعلق به

مذاهب به رسمیت شناخته شده نیستند، اصلاً امکان صحبت

کردن از حقوق ایشان به عنوان «انسان» وجود ندارد.

در زمینه اقتصادی، کارنامه‌ی رژیم اسلامی ولایت فقیه،

سیاه است. ایران کشوری است سرشار از منابع طبیعی! دولت

خامی بیشتر از اسلاف خویش چوب حراج به ثروتهای

عمومی زده و در ادامه‌ی سیاست خصوصی سازی

رفسنجانی آنها را به آقاها و آقازاده‌ها واگذار کرده است.

ثروت ایران در دست یک اقلیت است و به طور روزمره به

اندک حقوق کارگران تعرض می‌شود. اکنون حکومت، در پی

همهانگی با خواسته‌های بازار آزاد جهانی و سازمان

بین‌المللی کار، در صدد پس گرفتن ته مانده‌ی آن چه که در

قانون کار باقی مانده از کارگران و اعطای آن به کارفرماها و

سرمایه‌داران است. موج فزاینده بیکاری و عدم امنیت شغلی

و عدم تامین اجتماعی، هر روز زنان و کودکان بیشتری را

بی خانه و کاشانه می‌کند.

مسئله حقوق بشر در ایران مسأله‌ای نیست که تنها در

چارچوب مرزهای ایران قابل بررسی باشد. امروز جهان به

صورت دهکده‌ای کوچک درآمده و ایران جزئی از این

مجموعه است. در سالی که گذشت جمهوری اسلامی بر

خلاف سالیهای گذشته، به خاطر نقض حقوق بشر از طرف

سازمان ملل محکوم نشد. نمایندگان کشورهای مربوطه،

چشمهای خود را به جوانان آویزان از جرتقیلهای، به زنان در

گودال برای سنگسار، به روی کودکان خیابانی و هزاران

موارد دیگر از نقض آشکار حقوق بشر در ایران بستند و

جمهوری اسلامی را از این اتهامات مبری ساختند.

در دنیایی که حقوق بشر آمریکایی وجود دارد، "حقوق بشر

اسلامی" هم می‌تواند وجود داشته باشد. امپریالیسم آمریکا

به نام ایجاد نظم نوین جهانی، راهی را در پیش گرفته و در

عمل تعریف جدیدی از حقوق بشر ارائه می‌دهد. حقوق بشر

آمریکایی، حقوق بشر «سرمایه‌داران» است. در حقوق بشر

آمریکایی، انسان اسرائیلی با فلسطینی برابر نیست، کودک

فلسطینی به اندازه کودک اسرائیلی احتیاج به امنیت ندارد و

حیاتش هم مهم نیست، انسان آمریکایی با افغانی، عراقی و

یا ایرانی یکی نیست و در خود آمریکا هم سرمایه‌دار با

کارگر یکسان شمرده نمی‌شود.

اعلامیه جهانی حقوق بشر از مهمترین دستاوردهای جامعه

انسانی در طول تاریخ به حساب می‌آید. اقبشار ستم‌دیده و

پایینی جامعه، سالیان دراز با برده‌داری، آپارتاید و با حکومت

کلیساها مبارزه کردند و خونشان بر زمین ریخته شد تا

توانستند جامعه بشری را به آنجا برسانند که اعلامیه حقوق

بشر در سطح جهانی مطرح شود. این مهم، میراث

ارزشمندی است که از گذشتگان به ما رسیده و بر ماست که

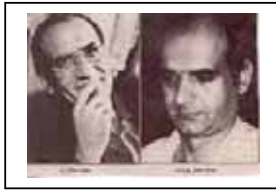
در اجرا و نظارت بر اجرای آن همت بگماریم و هیولاهای

آدم خوار که خود را محترم شمرده و دیگران را از آن محروم

می‌کنند، رسوا کرده و به زانو درآوریم.

پیگیری قتل‌های زنجیره ای با سکوت،

سانسور و سرکوب



لیلا جدیدی

مراسم یادبود محمد جعفر پوینده و محمد مختاری

که در آذر ماه سال ۱۳۷۷ روده و به قتل رسیدند، در

دانشگاه خواجه نصیر طوسی برگزار شد. در این

مراسم محسن حکیمی، فریبرز رئیس دانا، علی

اشرف درویشیان، و اکبر معصوم بیگی شرکت و

سخنرانی کردند.

رژیم جنایت و سانسور بار دیگر با بکارگیری

بازوهای رسمی و غیر رسمی سرکوب خود، نیروی

انتظامی و مزدوران و کارچاق کنه‌های محلی، از

ورود خبرنگاران به دانشگاه برای پوشش خبری این

مراسم جلوگیری کرد.

بنا به گزارش خبرنگاری ایران، محمود خاقلانی

میلانی، معاون دانشجویی دانشگاه خواجه نصیرالدین

طوسی، بدون ارائه دلیل یا توضیحی از ورود

خبرنگاران جلوگیری کرده و حراست دانشگاه، نیروی

انتظامی را برای متفرق کردن آنان به کمک

خواست.

با این که دیگر هویت آمران و عاملان قتل‌های

زنجیره ای بر کسی پوشیده نیست، رژیم استبداد

همچنان مذبوحانه سیاست سرپوش نهادن به جنایتی

که دست بالاترین مقامات دولتی و رهبرش بدان

آلوده است را ادامه می‌دهد. این که هنوز پس از

گذشت ۴ سال هیچگونه تلاشی برای مجازات

عاملان و آمران این قتل‌ها صورت نگرفته، خود

برهان آشکاری از موافقت و همدستی صاحبان

قدرت قضایی و اجرایی با قاتلان می‌باشد. کوشش

رژیم برای مسکوت گذاشتن این جنایت و مشمول

مرور زمان کردن آن از طریق اقداماتی همچون

جلوگیری از بازتاب مراسم یادبود قربانیان، گواهی

بر افزونی هراس رژیم از گسترش هر چه بیشتر

جنبش عدالت خواهانه مردم است.

قتل‌های زنجیره ای نقطه اوج جنایت و سرکوبی

بود که رژیم ۲۲ سال پیش آغاز کرد و طی آن

هزاران زندانی سیاسی را به جوخه‌های اعدام سپرده

و یا به زیر شکنجه کشیده است. این جنایات با

خبرنگار یا بی خبرنگار از وجدان عموم جامعه و

آگاهی برآمده از آن سانسور شدنی نیست. کینه و

تفر روز افزون آنان که در جنبشهای اعتراضی بروز

می‌کند، این حقیقت را هر بار روشن تر از پیش

یادآور شده است. چه خبرنگاری لازم است وقتی که

مدتهاست سانسور دیگر برای مردم سد غیرقابل

عبوری برای دستیابی به حقیقت به حساب نمی‌آید.

می گویند از ایران بگویم، اما از کجای ایران (۳)

مریم. م

خوابگاههای دانشجویی

واما وضعیت خوابگاه یا به قول دانشجویان، سربازخانه: من یک مدت مهمان دوستم در خوابگاه دانشجویی دانشگاه آزاد بودم، اولاً این خوابگاه در دورافتاده ترین قسمت شهر بود که مانند بیابان به نظرمی رسید، بچه ها می گفتند اینجا آخر شهر است. وضعیت آنجا را که دیدم گریه ام گرفت، آخر در هر کجای این کشور، در هر مکان باید شاهد جنایات این رژیم و سیاستهای کثیف آن باشیم؟ (حتی خوابگاه دانشجویی؟). این خوابگاه ۲۰ سوئیت داشت که هر سوئیت دارای چهار اتاق، یک دستشویی و یک آشپزخانه بود. آشپزخانه شامل دو اجاق گاز و سه یخچال بود. در هر سوئیت ۲۴ نفر زندگی می کرد و در هر اتاق ۶ نفر، با سه تخت فلزی دو طبقه. مساحت اتاقها ۹ متر یا کمتر بود طوری که بچه ها وقتی می خواستند غذا بخورند، هر ۶ نفرشان نمی توانستند دور سفره بنشینند. فضای باقی اتاق آن قدر تنگ و کوچک بود که هر کدام به طور جداگانه و در وقتهای مختلف غذا می خوردند. بچه ها برای درست کردن غذا باید مدتها در نوبت می ماندند تا بالاخره از این دو اجاق گاز سه شعله ای (هر کدام از اجاقها سه شعله داشتند) یکی خالی شود تا بتوانند غذا درست کنند، حالا فکرش را بکنید یکی می خواست دو نوع غذای مرتبط به هم درست کند!!

صبح که از خواب بیدار می شدند و هر کس در حال آماده کردن خود برای رفتن به دانشگاه بود باید مدتها در صف دستشویی قرار می گرفت تا بالاخره از این ۲۴ نفر، نوبت به او هم برسد، بنابراین آنها که صبح زود کلاس داشتند (ساعت ۸)، مجبور بودند حدود ساعت ۶ صبح بیدار شوند تا بتوانند از این هفت خوان رستم بگذرند علی الخصوص صف دستشویی. و اما برای این ۲۰ سوئیت ۲۴ نفره که مجموعاً ۴۸۰ نفر داشت فقط ۹ عدد حمام، آن هم در محوطه بیرون از سوئیتها قرار داشت، که مثلاً بچه ها در سرمای زمستان باید مسیری را در هوای سرد از حمام تا سوئیت طی میکردند و خوب قطعا به دنبال آن، مریضی و سرماخوردگی را هم داشت. فکر یک دانشجو چگونه پر از دغدغه، مشغله و اعصاب خوردی نشود.

این بچه های بیگناه چرا باید قربانی این رژیم فاسد شوند، چرا این مسائل جزئی و کوچک باید ذهن جوانان دانشجوی ایرانی را پر کند. چرا باید اینقدر درگیر مسائل روحی، عاطفی و فشارهای روانی باشند که دیگر رشد فکری آنها متوقف و محدود

به حل مسائل پیش و پا افتاده زندگی اش شود. چرا؟

حتی برای خوابگاه دادن به دانشجویان هم منت روی سر او می گذارند. مگر حق او استفاده از خوابگاه - تازه در قبال پول هنگفتی که در ازای استفاده از آن می پردازد - نیست؟ پس دانشجو اگر خوابگاه را از او بگیرند کجا برود؟

برای گرفتن فرم خوابگاه یکی از دوستانم که خودش مشکلی داشت، متأسفانه باید به دانشگاه آزاد آنها می رفتم، من که چادر نداشتم، وقتی وارد آن اتاقک شدم، اجازه رفتن به من نمی دادند و هر چه می گفتم من اصلاً دانشجوی اینجا نیستم قبول نمی کردند. در نهایت شانس آوردم و یک دفعه اتاق شلوغ شد و من در بین جمعیت وارد محوطه شدم، وقتی بچه ها را دیدم واقعا خنده ام گرفت و گفتم: دست مریزاد، چرا که آنها وقتی از اتاقک می گذشتند (به قول بچه ها پل صراط) به دستشویی می رفتند و از نو آرایش کرده، مقتعه خود را به عقب برده، آستین مانتو را بالا زده و جورابها را در می آوردند و چادرشان هم باز بود. و اما در خیابان، سینما و پارک، پسر و دختر با هم بودند (بله عاقبت ممنوع کردن باید همین باشد).

خلاصه من به اتاقکی رفتم که مسئول امور دانشجویی که مسئول خوابگاه نیز بود آنجا بود، اتاق شلوغ و بی نظم بود. داد و بیبیدار دانشجویان با آن خانم مسئول که چرا به من خوابگاه نمی دهی و... جالب اینجا بود که این خانم به کسی که آرایش داشت خوابگاه نمی داد!!! دختری جلوی من ایستاده و در حال مشاجره با آن خانم بود، شنیدم که آن خانم به دانشجویی دختر که آرایشش از نظر او غلیظ بود گفت: ازدواج کردی؟ دختر گفت: نه، خانم مسئول گفت: پس چرا این قدر آرایش کردی، بیخود کردی، برو برو، دختر ازدواج نکرده هم مگر این همه آرایش می کند، برو ما خوابگاه نداریم. من از تعجب داشتم شاخ درمی آوردم، آخر خانم به تو چه مربوط است، حق این دختر استفاده از خوابگاه است، به تو چه که او چه قیافه ای دارد، اینقدر آدم پست ندیده بودم. البته بعدها دوستم گفت که دخترها قبل از رفتن به آن اتاق آرایش خود را پاک می کنند، مقتعه شان را جلو می کشند و حسابی خود را می پوشانند تا خوابگاه به آنها بدهند، آن دختر بیچاره حتماً از یاد برده بود این کارها را انجام دهد یا نمی دانست. دوستم می گفت که ما اسم این زن را گذاشته ایم "سگ پاچه گیر" چون مثل سگ پاچه ما را گاز می گیرد.

فشارهای صنفی و ایدئولوژیک

دانشجویان حتی برای جشن فارغ التحصیلی و دریافت مدارک هم باید پول بپردازند، در غیر اینصورت حق شرکت در جشن را ندارند و بعدها خودشان می روند و مدرکشان را می گیرند. حتی اگر دانشگاه بعد از چند سال بخواهد دانشجویان را به اردو ببرد هم پول هنگفتی از آنان می گیرد. هیچ گونه امتیاز و ارزش دادن در آنجا وجود ندارد. این همه فشار روانی چرا؟ از کجا نشأت می گیرد؟ چرا برای این قشر جامعه؟

بارها و بارها دانشجویان به خاطر مسأله غذا اعتصاب و آشوب به پا کرده اند. بارها به خاطر عدم توجه به حقوق انسانی، دانشجویان اعتراض کرده اند. چند سال پیش در یک دانشگاه دولتی، در کلاسها، برای جدا کردن دختران در یک طرف و پسران در طرف دیگر، در وسط کلاس پرده ای نصب کرده بودند اما دانشجویان با چاقو آن را تکه تکه کردند. دانشجویان با سنگ روی شیشه ای که نام دانشگاه آزاد اسلامی مدیریت تهران نوشته شده بود، کلمه "اسلامی" را شکستند. چه اعتراضها که به خاطر مسئله چادر بر پا شد، که چرا چادر اجباری است.

این دیگر عمق جنایت است که دانشجویان را در هوای گرم و سوزناک که آسفالت خیابان زیر پا نرم می شود، چشمها از شدت نور به درستی باز نمی شوند و از سر آدم بخار بلند می شود، مجبور به پوشیدن چادر یا آن ظاهر زشت و آکنده از کثافت فکری آخوندهاست، کرد.

اگر خودشان کثیفند و با آن چادر و عباي خود ظاهر کثافت کاریهایشان را می پوشانند، به ملت بدبخت آن هم قشری گناه دانشجو چکار دارند؟ چادری که حتی فقیرترین فرد هم باید هزینه زیادی را برای خرید آن صرف کند.

روزه گرفتن های اجباری

برای انداختن انرژی در طول روز باید تا آنجا که می توان غذا در این معده بیچاره چپاند. حالا بماند که چقدر سر کلاس دانشجو ضعف می کند و اذیت می شود و فقط لحظه شماری می کند که زمان افطار برسد، خوب این روزه اجباری به چه درد می خورد. اگر هم کسی روزه نمی گرفت به سرپرست اطلاع داده می شد و خلاصه به عنوان غیر مسلمان شناخته می شد. آرایش دانشجویان دختر در این ماه ممنوع است. خلاصه آن قدر زور و اجبار هست که همه از دین و مذهب بیزار می شوند. خود من از جمله کسانی بودم که در تمام عمرم بیش از ۴ روز، روزه نگرفتم آنهم در خوابگاه و به اجبار

بچه ها، در نهایت گفتم: من نمی توانم درس بخوانم، توانایی ام کم می شود و این به ضرر من است، من اصلاً ثواب نمی خواهم، این را به دوستم هم گفتم و او هم با من هم عقیده شد و ما خودمان را کشیدیم بیرون، ولی به کسانی مثل من در جامعه به دید بدی نگاه می کنند، به عنوان یک غیر مسلمان در صورتیکه من واقعیت را می گویم، وقتی چنین برنامه ای مانع موفقیت من در زندگی می شود دلیلی ندارد با جریان آن پیش بروم. ولی بسیار افراد و دانشجویان (جوانان) هستند که اصلاً قبول ندارند و با من هم عقیده هستند، پس دین دیگر جایگاهی در بین جوانان ایران ندارد و هر چه هست بر اثراجبار و تحمیل خرافات است.

می گویند دین اسلام کاملترین دین است ولی باور کنید بسیاری از جوانان در ایران می گفتند چرا ما پیرو مسیح نشویم. آخر این چه دینی است که زندگی ما را تارو مار کرده است. می گویند دین اسلام دین تبعیض نیست در صورتی که تنها دین حاکم بر ایران است که در آن تبعیض بین زن و مرد، بین اقلیتهای مختلف و... به وضوح دیده می شود.

مشکلات اقتصادی

متأسفانه درد این ملت یکی که نیست، هزار و یک درد دارند که همه از آن آگاه هستند و نیازی به گفتن من نیست. با مشکلات کمرشکن اقتصادی چه کنند؟ با این تورم روز به روز در حال افزایش چه کنند؟ قیمت بالای اجناس، پایین بودن دستمزدها، آخر یک کارگر ساده در چنین شرایطی چگونه می تواند زندگی کند، مگر فرزند او آدم نیست، مگر خواسته ها و علایقی ندارد. تاکی باید از خواسته های بچه ها چشم پوشی کرد. تاکی باید آنها را با محدود زندگی کردن سازگار کرد؟

کارگری که روزانه ۳۰۰ - ۴۰۰ تومان می گیرد - حتی بسیار کمتر از این مقدار - که البته تا چند ماه هم بیکار است، چگونه می تواند گوشت کیلویی ۳۵۰۰ تومان بخرد؟ با پول اجاره خانه، آب، برق، تلفن، گاز و غیره چه کند؟

کارمند بیچاره هم از این بدتر، از صبح ساعت ۷ تا ساعت ۴ بعد از ظهر در اداره کار می کند بعد از آن هم به شغل دوم که می تواند مسافرکنشی یا کار کردن در مغازه ای باشد، مشغول می شود. طوری که ساعت ۱۲ شب می تواند به منزل بیاید که حتی فرصت دیدن فرزند خود را هم ندارد. کمتر زنی آنجا هست که خیاطی نکنند، تا نیمه شب، تا سحر یکریز چشمان خود

بقیه در صفحه ۱۹

پیروزی امید بر ترس در برزیل

ترجمه: صوفی سعیدی

نویسنده: جودی ربیک، منبع www.rabble.com

"لولا" خودش اصل مطلب را به بهترین وجه بیان کرد و گفت: «امید بر ترس غلبه کرد.»

در یک پیروزی قاطعانه که تعداد بی سابقه هشتاد و سه میلیون نفر رای دادند، لویز ایناسیودسیلوا از حزب کارگران که همه جا او را به نام «لولا» می شناسند، با کسب شصت و یک درصد از کل آراء، رئیس جمهور منتخب برزیل شد.

حتی قبل از آن که رقیب وی، آقای خوزه سرا شکست خود را اعلام کند، مردم به خیابان ریخته و جشن گرفتند. در ریو دو ژانیرو، هزاران نفر از کوه مشهور کورکوادو، شروع به راهپیمایی کردند و به طرف مرکز شهر سرازیر شدند. آنها تا پاسی از شب به جشن و سرور ادامه دادند.

رئیس حزب کارگران، خوزه دیرسو از «لولا» این چنین نقل قول کرد: «وی به نام نسل ما، همه کسانی که در برزیل برای دموکراسی مبارزه کرده اند و برای یک چنین لحظه ای آرزو می کرده اند، به ریاست جمهوری انتخاب شده است.»

به گفته ناظران عینی حدود دویست هزار نفر در مرکز شهر مارکو زیرو جمع شده بودند. در سائو پولو که بزرگترین شهر برزیل است، مردم تمام شهر در خیابانها می رقصیدند.

انتخاب یک سوسیال دمکرات به عنوان رئیس جمهور برزیل که پنجمین دموکراسی دنیا می باشد، عواقب بسیاری در سراسر امریکای لاتین و جهان خواهد داشت. لولا قویا با تجارت آزاد در قاره امریکا مخالف است. ماه گذشته، حزب کارگر به همراه دیگر نهضت‌های سازمان یافته اجتماعی، یک کنفرانس مردمی تشکیل دادند که هشتاد و پنج درصد بر علیه تجارت آزاد رای دادند. هیچ جای سوالی نیست که برزیل نه تنها با تجارت آزاد در قاره امریکا به مخالفت برخواید خاست، بلکه مخالفان را سازماندهی نیز خواهد کرد.

به گفته نیویورک تایمز، رئیس جمهور ونزوئلا، هوگو چاوز صحبت از ملحق شدن لولا به «محور خیر» در امریکای لاتین کرده است.

حزب کارگر پایه گذار نوع جدیدی از دموکراسی مردمی است که الگویی برای چپ در سراسر جهان می باشد. چند سال قبل، وقتی لولا در تورتو-کانادا سخنرانی می کرد، سوالی را مطرح کرد: آیا ما برنده دموکراسی شدیم تا دست راستیها خود را گرسنه معرفی کنند؟

بعد از پیروزی لولا به ریاست جمهوری، وی اظهار داشت: «من می خواهم که پیروزی من سمبل این باشد که هیچ کسی مادون دیگری نیست. یک آهنگر می تواند در امور سیاسی خیلی مسلط تر عمل کند تا یک متخصص علوم سیاسی.»

گردهمایی جهانی سوسیالیستی که به رهبری حزب کارگر در پورتو آلگره برگزار شد، پیشاپیش به مرکزی برای نهضت‌های عدالت اجتماعی در سراسر جهان تبدیل شده است. پیروزی لولا به مثابه تزریق انرژی فوق العاده ای در ساختار یک نهضت جهانی برای عدالت جهانی می باشد.

اهمیت دیگر پیروزی لولا این است که وی اولین رئیس جمهور طبقه کارگر می باشد. انتخاب وی قدرت زیادی به فقرا، کسانی که فاقد زمین هستند و مردم در حاشیه برزیل می دهد. حزب کارگر روابط نزدیکی با نهضت‌های گسترده اجتماعی دارد که پیشاپیش تضمین کرده بودند که برای پیروزی لولا در انتخابات، بسیج اجتماعی گسترده ای صورت خواهند داد. بنابراین پیروزی در انتخابات، تازه شروع یک تحول گسترده به سمت عدالت اجتماعی می باشد.

مواجه شدن با نابرابریهای اقتصادی گسترده در برزیل، چالش بزرگی برای لولا خواهد بود. نتو لیبرالیسم تاثیر بسیاری بر اقتصاد برزیل گذاشته است، فاصله بین ثروتمندان و فقرا در برزیل، بیشترین فاصله در جهان است. بیکاری در بالاترین نقطه قرار دارد. برزیل دویست و شصت بیلیون دلار بدهی دارد. مشکل دیگر ایجاد تحول در اقتصادی است که با سه تهدید همزمان مواجه است؛ فرار سرمایه از کشور، تحریمات صندوق بین المللی پول و مداخله احتمالی ایالات متحده.

به علاوه، حزب کارگران لولا، هنوز کنترل کنگره را در دست ندارد. سیستم برزیل مطابق الگوی سیستم امریکا بنا شده است. بدین ترتیب، کنگره می تواند قدرت رئیس جمهور را محدود کند. در انتخابات استانها، حزب کارگر نتیجه خوبی دریافت نکرد و تنها سه استاندار از بیست و هفت مقام موجود به دست آورد. در اولین سخنرانی رسمی اش که شب بعد از انتخابات پخش شد، لولا گفت: «آنچه در توان دارد برای آوردن صلح به قاره و ساختن کشوری که عدالت بیشتر، برادری و همبستگی بیشتر دارد، انجام خواهد داد.»

به مناسبت روز جهانی ایدز

اسد طاهری

روز اول دسامبر، روز جهانی مبارزه با ایدز نامگذاری شده است. هر ساله در این روز در سراسر دنیا، فعالیت و تلاش برای آگاه کردن مردم از راههای پیشگیری از ابتلا به این بیماری مرگبار ممانعت از شیوع سریع آن، اوج تازه ای می گیرد.

طبق آمار سازمان ملل متحد، در طول سال جاری میلادی، تعداد افراد مبتلا به "H I V"، ویروس بیماری ایدز، به حدود پنج میلیون نفر رسیده است. این ویروس سیستم ایمنی بدن را به تدریج فلج می کند و افراد مبتلا را از پای در می آورد. آژانسهای مربوط به سازمان ملل، در ارتباط با "ایدز" پیش بینی می کنند که بیش از سه میلیون نفر طی سال جاری میلادی، در اثر بیماری "ایدز" جان خود را از بدهند که با این تعداد، شمار قربانیان این بیماری خانمانسوز در ۲۰ سال گذشته به ۲۴ میلیون نفر می رسد.

براساس آمار سازمان ملل، بیماری "ایدز" در اروپای شرقی و در سراسر آسیا به سرعت در حال رشد است. در جنوب آفریقا که بیش از دو سوم از مجموع ۴۲ میلیون نفر آلوده به ویروس H I V در سراسر جهان را در خود جای داده است، این بیماری مرگبار، جان مردم کشور های آفریقائی: زامبیا، لسوتو، مالاوی، موزامبیک، سوازیلند، زیمبابوه و اوگاندا را تهدید می کند. طبق آمارهای اعلام شده، هفت میلیون کارگر کشاورز در کشورهای آفریقائی، بر اثر مبتلا به بیماری "ایدز" جان خود را دست داده اند.

این گزارشات نشان می دهد که "ایدز" در اروپای شرقی و سراسر آسیا سریعترین رشد را در جهان دارد. ۱۵ سال است که ویروس "ایدز" در ایران شناخته شده است اما فقط دو سال است که ملایان حاکم در این باره صحبت می کنند. اخیراً آمارهای نگران کننده ای از افزایش مبتلایان به "ایدز" به گوش می رسد، به طوری که گفته شده در سالهای اخیر تعداد مبتلایان به ویروس "H I V" چندین برابر شده است. این آمار نشان می دهد که ایران با یک اپیدمی جدی "ایدز" روبروست.

معاون وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جمهوری اسلامی، دکتر سیاری، چنین می گوید: در سال گذشته میلادی، تعداد مبتلایان به ویروس HIV ، ۱۵۰۰۰ نفر بوده

است و طبق آمار رسمی دولت، ۴۰۰۰ نفر مبتلا به "ایدز"، رسماً به ثبت رسیده اند. این رقم در حالی به دست آمده که تنها ۲۰ درصد از مبتلایان به "ایدز" در کشور شناسائی شده اند. در گذشته مقامات رسمی جمهوری اسلامی معمولاً از رقمی بین دو تا سه هزار برای مبتلایان به بیماری "ایدز" سخن می گفتند. قبلاً مقامات رژیم ولایت فقیه تاکید داشتند که عامل اصلی گسترش "ایدز" در بین مردان از طریق تزریق با سرنگ مشترک در میان معتادان است، ولی اکنون با چنین گسترشی باید دروغ بهتری بیابند تا مورد قبول مردم گردد. در اعلامیه وزارت بهداشت رژیم آخوندی گفته می شود که انتقال ویروس HIV از طریق آمیزش جنسی نیز مساله نگران کننده ای است.

همچنین دکتر مینو محرز، استاد دانشگاه و متخصص بیماری "ایدز" می گوید: بر اساس آمارها، ۸۰ درصد از مبتلایان به "ایدز" از طریق آمیزش جنسی آلوده شده اند و این موارد رو به افزایش است. او همچنین گفت: برنامه های در این ارتباط ریخته شده است، ولی هنوز به صورت جدی به جوانان و والدین آموزش داده نشده است.

سالها است که کارشناسان و پزشکان متخصص "ایدز" در ایران هشدار داده اند، ولی ادعان به رشد و گسترش این بیماری و همچنین آلودگی به ویروس HIV، به ندرت از طرف مسئولان دولتی صورت گرفته است.

روز چهارشنبه ۱۱ سپتامبر، ۱۰ روز بعد از روز جهانی "ایدز"، رئیس جمهور به خواب رفته رژیم، سر از زیر لحاف زمستانی خود بیرون آورده و در پیامی چنین می گوید: "ایدز" یک فاجعه انسانی است، و ما از سازمانهای غیر دولتی و بخش خصوصی می خواهیم که به یاری دولت بشتابند و جامعه ایران را از ابتلا به "این بالای خوفناک" مصون نگه دارند.

رژیم آخوندی این مشکل را جدی نمی گیرد، چون به مردم توجه ندارد، مشکل مردم مشکل آنها نیست. آیا این خواب رفتگان نمی دانند که این یک زنگ خطر جدی است و دولت موظف است کمیته ها و سازمانهایی برای حل مشکل این بیماری و بیماران ایجاد کند؟ در کشوری که اکثر داروها و وسایل لازم را باید بیمار تهیه کند، وقتی بهای یک قرص ضد "ایدز" بعنوان نمونه قرص AZT در آمریکا) حداقل بین ۳۰-۴۰ دلار می باشد چطور می توان از سازمانها خصوصی و مردم کمک خواست؟ آیا

بقیه در صفحه ۱۹

در گوشه و کنار جهان

اسد طاهری

نپال

چریکهای مائوئیست نپال طی اطلاعیه ای به منظور پایان دادن به درگیریهای هفت ساله، خواهان نشست و گفتگو با دولت شدند. آنان به این منظور کمیته ای برای تدارک مذاکرات صلح تشکیل داده اند. در بیانیه ای که چریکها به روزنامه های محلی فکس کردند، آمده است که این کمیته آماده مذاکره با تمام نیروهای سیاسی و دولت نپال است. آنها همچنین بر لزوم تشکیل یک دولت موقت و مجلس مؤسسان برای تنظیم یک قانون اساسی جدید تأکید نمودند.

اسرائیل

یک سازمان حقوق بشر اسرائیلی توجه جهانیان را به آنچه در فلسطین میگذرد جلب کرده است. سازمان "بت سلم" یک گروه حقوق بشری کاملاً یهودی است که ارتش اسرائیل را متهم به سوء استفاده از مردم و به خصوص زنان و کودکان فلسطینی، طی حملاتشان به خانه های فلسطینی و دستگیری افراد عادی کرده است. این گروه تا کنون بیش از دویست مورد از نقض آشکار حقوق بشر را به صورت فیلم و اسناد مستند به مراجع قضائی اسرائیل ارائه نموده است، که تاکنون مورد توجه و رسیدگی قرار نگرفته است.

فلسطین

مسئولان فلسطینی از جامعه بین المللی خواستند برای متوقف ساختن حملات دولت اسرائیل به شهرها و موسسات عمومی مردم، فوراً مداخله کند. منابع دولتی فلسطین گفتند هدف اصلی کابینه جدید اسرائیل نابودی کامل فلسطین است.

یاسر عرفات، رئیس دولت خودگردان فلسطین، روز ۲۲ نوامبر اعلام کرد به منظور ادامه روند صلحی که اسحاق رابین، نخست وزیر پیشین اسرائیل آغاز کرد، حاضر به همکاری با عمرام میزنا، رهبر جدید حزب کار اسرائیل است. او در گفتگو با خبرنگاران گفت: "ما حاضر به همکاری با هر کسی که رهبری این حزب را بر عهده بگیرد هستیم و دستهایمان را به سوی صلح دراز می کنیم و امیدواریم "میزنا" راه "رابین" را ادامه دهد و کار وی را به پایان رساند."

سوریه

روز سه شنبه ۹ دسامبر، یک حزب سیاسی کرد، نخستین تظاهرات در سوریه پس از نزدیک به ۴۰ سال را در

برابر مجلس ملت سوریه برگزار کرد. آنها در این تظاهرات موفق شدند رئیس پارلمان سوریه را وادار کنند با رهبران آنان نشستی داشته باشد. این تظاهرات همزمان با روز جهانی حقوق بشر برگزار گردید. تظاهرکنندگان در پلاکاردهای که حمل می کردند خواهان احقاق حقوق از دست رفته کردها در سوریه شدند.

فرانسه

روز سه شنبه ۲۶ نوامبر، هزاران کارگر و کارمند بخش کنترل پروازها در فرانسه دست به یک اعتصاب سی و دوساعته زدند. در اثر اعتصاب کارکنان بخش کنترل و هزاران پرواز در فرانسه لغو شد و حمل و نقل عمومی مختل گردید. همزمان گروههای دیگری از کارگران و کارمندان بخش های دولتی، از جمله راه آهن، بیمارستانها و پست دست به اعتصاب زدند.

فرانسه

روز های ۲۳ و ۲۴ نوامبر، کامیون داران فرانسوی که در اقدامی جداگانه به اعتصاب و راه بنان دست زده بودند، پس از دخالت پلیس، مجبور به برداشتن موانعی که گذاشته بودند و باز کردن جاده ها شدند. این اعتصاب ها بزرگترین اعتراضات داخلی است که دولت راست "ژان پیر رافارین"، نخست وزیر فرانسه، تنها پس از پنج ماه روی کار آمدن با آن مواجه است.

هایتی

هزاران تن از مردم هاییتی، با برگزاری تظاهراتی در شهرهای بزرگ این کشور، خواستار استعفای رئیس جمهور "ژان برتران آریستید" شدند. این راهپیمائی توسط سازمانی متشکل از تمامی گروه های مخالف موسوم به "ابتکار شهروندان" ترکیب یافته بود. دانشجویان در تظاهرات مشابهی علیه سیاستهای اقتصادی و آموزشی رئیس جمهور شعار داده و خواستار برکناری او شدند. تعدادی از طرفداران "آریستید" به خیابانها ریخته و این تظاهرات به خشونت گرائید.

ایتالیا

صدها هزار نفر از مردم ایتالیا، در اعتراض به سیاستهای اقتصادی و اجتماعی دولت "برلوسکنی"، در سه شهر مهم این کشور تظاهرات کردند. طبق گزارشها، بیش از ۲۰۰ هزار نفر از مردم با راهپیمائی در خیابان های مرکزی شهر "باری" در جنوب ایتالیا، از سیاست های اقتصادی دولت در شهرهای جنوبی این کشور انتقاد کردند.

ونزوئلا

یک روز بعد از کشته شدن سه نفر در درگیریهای اخیر این کشور، اعتصاب عمومی در بخشهای مختلف، حاکی از اعتصابات بیشتر در روزهای آینده است. همچنین دهها هزار تن به طرفداری دولت دست به تظاهرات زدند. به گزارش خبرنگاران در پایتخت ونزوئلا، افراد ناشناسی به روی تظاهرکنندگان که در میدان "فرانسیس" در محله "آتامیرا"، مقر "هوگو چاوز" تجمع کرده بودند، آتش گشودند که در نتیجه ۳ تن کشته و ۲۰ نفر دیگر مجروح گردیدند. پلیس افرادی را در این رابطه دستگیر کرده است. این چهارمین اعتصاب در یک سال گذشته است که از سوی کنفدراسیون کارگران ونزوئلا برگزار شده و خواهان استعفا "چاوز" است.

"چاوز" در سال ۱۹۹۸، برای مدت ۶ سال به رئیس جمهوری این کشور برگزیده شد. "علی رودریگز" وزیر سابق نفت، این اعتراضات را محکوم کرد و گفت: که مخالفان با اعتصاب عمومی خود به صنعت نفت کشور آسیب می رسانند و سرمایه داران بزرگ جهانی در پشت این جریانها هستند. وی اما اطمینان داد که این موضوع دولت مردمی "چاوز" را سرنگون نخواهد کرد. "چاوز" با ارسال پیامی خطاب به مردم خواستار برقراری آرامش شد و آمادگی خود را برای از سرگیری مذاکرات با مخالفان دولت اعلام کرد. وی با خانواده هائی که در جریان تیراندازی ها کشته شده اند ابراز همدردی کرد و قول داد افرادی که به سوی تظاهرکنندگان تیراندازی کرده اند را مجازات خواهد کرد. مقامات پلیس اعلام کردند که در این ارتباط، نزدیک به ۱۰ نفر را دستگیر کرده اند.

۱۱ نوامبر رئیس شرکت ملی نفت ونزوئلا برخی از عوامل خارجی را در آشفتنی در این کشور مقصر دانست. همزمان با بالا گرفتن نابسامانی ها در ونزوئلا، دولت آمریکا خواستار برگزاری انتخابات زودرس در این کشور شد و اعلام کرد که دولت ونزوئلا باید به آزادی افراد و گروه ها احترام بگذارد.

یکی از دولتمردان ونزوئلا چنین می گوید: تنها خواسته عوامل خارجی در به پاکردن این آشوبها، سلطه بر نفت است و این گروه برآن است که سرمایه ملت را تحت اداره قدرتهای بزرگ قرار دهند. این گروه دهها سال است که با مردم مانند برده رفتار نموده و فقیران جامعه را صاحب حقی نمی داند. آنها به همین دلیل از برنامه های دولت "چاوز" برای احیای حقوق زحمتکشان بسیار خشمگین هستند.

این راهپیمائی با حضور "ماسیو دالما" نخست وزیر پیشین ایتالیا و رهبران احزاب و جنبشهای چپ ایتالیا برگزار شد. تظاهرات مشابهی نیز با حضور ده ها هزار نفر در شهر شمالی میلان برگزار شد.

اکوادور

"لوسیو گوتیرس"، سرهنگ بازنشسته ارتش، با کسب ۵۵ درصد آرا به مقام رئیس جمهوری اکوادور رسید. و به این ترتیب، چند هفته بعد از پیروزی "لولا داسیلو" در برزیل، یک دولت چپگرایی دیگر در آمریکای لاتین بر سر کار آمد. رای دهندگان نشان دادند که آنها از محافظه کاران، کاندیداهای مورد تأیید آمریکا و سیاست های نئولیبرالیسم رویگردان هستند.

"لوسیو" یک چپ میانه می باشد و می گوید: من فردی هستم عملگرا. او مثل "لولا" (رئیس جمهور انتخابی برزیل)، به جای انقلاب، اصلاحات را پیش می گیرد و روی مبارزه با فساد در درون دولت و دادگاهها متمرکز شده است. سرهنگ گوتیرز، یک انقلابی روشنفکر است، سرپاییزی حرفه ای که مخالفانش او را به کمونیست بودن متهم می کنند. او از میان خانواده ای متوسط در منطقه آمازون برخاسته است و در سال ۲۰۰۰ وقتی "جمیل ماهواد"، رئیس جمهور وقت اکوادور، تصمیم گرفت پول ملی کشور را به دلار آمریکا تغییر دهد، وارد عرصه سیاست شد. یکی از رهبران تظاهراتهای مردمی که در سراسر کشور برگزار می شد "سرهنگ گوتیرز" بود. در دور اول انتخابات که در ماه گذشته برگزار شد، در میان شگفتی "سرهنگ گوتیرز" با کسب ۲۰ درصد آرا از بین ۱۱ کاندیدا به مرحله دوم راه یافت. بومیان که از دیر باز فقیرترین اقشار جوامع آمریکای لاتین بوده اند از او حمایت کردند. بومیان اکوادور، حدود ۴۰ درصد جمعیت را تشکیل میدهند.

"گوتیرز" که یک چپ میانه رو است، خدمات بهداشتی رایگان و ساختن خانه های ارزان قیمت برای ۶۰ درصد از جمعیت ۱۲ میلیون نفری فقیر این کشور را قول داده است.

بولیوی

در انتخابات ماه ژوئیه، در بیش از نیمی از ایالتهای بولیوی، مردم به اعضای گروه جنبش سوسیالیسم رای دادند. به این ترتیب گروه جنبش سوسیالیسم، به دومین حزب بزرگ این کشور تبدیل شده است. رهبر این گروه، "اوو مور الز"، در کنگره به عنوان دومین شخص دوم پارلمانی بولیوی به حساب آمد.

زندن، سوت زدن و درگیری با مزدوران به حمایت از دانشجویان برخاستند و اگر ایشان آنان را طیف فراخوانده از خارج کشور هم بخواند که فیها! زیرا ناخواسته به پیوند و اتحاد مردم و مقاومت خارج از کشور اقرار کرده است. ایرانیانی که به خاطر سرکوب و خفقان، شرایط وخامت بار اقتصادی و یا دور کردن فرزندان خود از آثار فاجعه آمیز سیاستهای حکومت و صدها دلیل دیگر به خارج تبعید شده اند، بی شک در کنار هموطنان خود و علیه رژیم قرار دارند و در رساندن صدای مردم به پاخاسته ایران به مراجع بین المللی و نهادهای حقوق بشری بیش از پیش فعالیت خواهند کرد. آقای مدیر کل با شکایت از این وضعیت همچنین فراموش می کند که قیام بهمن ۵۷ نیز - که آخوندها و متحجرانی از قماش ایشان از دست مردم ربودند - با اتحاد و همبستگی ایرانیان داخل و خارج به سرنگونی رژیم شاه انجامید و اکنون نیز حکومت



استبدادی - مذهبی جمهوری اسلامی، مانند رژیم پیشین قادر نخواهد بود سدی ابدی در برابر این موج خروشان و پیش رونده ایجاد کند.

بیهوده نیست که رئیس جمهور رژیم لبخند از لب برکشیده و امسال از حضور در گردهم آییهای دانشجویی و ارائه وعده های دروغین اش پرهیز کرده است. این آخوند زیرک بهتر می داند که تا چه حد

دست او در خارج و داخل رفته و دیگر قادر به عقب کشیدن موج اعتراضات دانشجویان، کارگران، معلمان، کارمندان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه و روند شتابان همبستگی آنان نیست. حصار کشی دواثر امنیتی او به دور دانشگاه توسط چند



اتوبوس یا تقسیم بندی جغرافیایی مخالفین بی شمار، نه می تواند جنبش دانشجویان را از بستر اجتماعی خود منزوی کند و نه قادر به تجزیه مردم است.

حصار کشی بی حاصل با اتوبوس و تبلیغات

لیلا جدیدی

روز گذشته، سالگرد ۱۶ آذر و روز دانشجو با شرکت هزاران دانشجو و حمایت گسترده مردم در شهرهای مختلف ایران برگزار گشت. طبق گزارشات رسیده و شواهد عینی، رژیم با خیال خاموش کردن صدای دانشجویان، بازوان سرکوب خود شامل نیروهای انتظامی، پاسداران ویژه سرکوب، مزدوران بسیجی و اطلاعاتی (لباس شخصی ها) و انصار حزب اله (چماقداران) را که از پیش بسیج کرده بود، به کار گرفت. در جریان این تظاهرات صدها نفر از دانشجویان و مردم آزادیخواه که به حمایت از آنان برخاسته بودند توسط مزدوران رژیم زخمی و دستگیر شدند. براساس اخبار منتشر شده، تظاهرات روز

گذشته، با خشونت آمیزترین برخورد نیروهای سرکوبگر با دانشجویان روبرو شده است. با این حال امروز مدیر کل سیاسی - انتظامی

استانداری تهران، تنها از دستگیری ۶۰-۷۰ نفر یاد کرده و جرم آنان را «تجمع بدون مجوز و سردادن شعار» اعلام نمود و گفت: «دستگیر شدگان به ندرت دانشجو بودند وظیفی که بیرون از دانشگاه بودند عمدتاً کسانی بودند که با فراخوان شبکه های خارجی وارد معرکه شدند.» او اضافه کرد: «ما با قرار دادن اتوبوسها در مقابل دانشگاه این طیف را از داخل دانشگاه جدا

کردیم.» آقای مدیر کل به خوبی می داند درهای دانشگاه را با دستور رسمی به روی دانشجویان بسته بودند و قصدشان جلوگیری از پیوستن مردم به آنان بوده است. اما مردم ایران با راهپیمایی، روشن کردن چراغهای اتومبیل خود، بوق زدن، دست

هستند متولد ایران هستند. بنا به قوانین ایران بچههای این ازدواجها «مشروع» شناخته نشده و شناسنامه و تابعیت به آنها تعلق نمیگیرد.

طرح پیوستن به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض بر زنان حتی از دید مجلسیان قابلیت به زیر تیغ رفتن شورای نگهبان را نداشت و در روز ۱۰ مهر از دستور کار مجلس حذف شد.

طرح دادن حق برابر طلاق به زنان در همان شکل دست کاری شدهاش در ۶ مهر از طرف شورای نگهبان رد شد. طرح منع شکنجه و حمایت کودکان توسط شورای نگهبان در ۲۴ شهریور رد شد.

رد این طرحها در شورای نگهبان، نشانی بر بیهوده بودن تلاشهایی است که رسیدن به حقوق زنان را در دامان این نظام به ویژه مردان، جستجو میکند.

راکی در باره ملاقات امروز فراکسیون زنان مجلس با مراجع میگوید: «در اسلام هیچ گونه تبعیض منفی علیه زنان وجود ندارد و آن چه وجود دارد، تنها امتیاز و برتری زنان به عنوان مادران و تربیت کنندگان نسلهای آینده است با این حرف راکی که خود از خدمت کنندگان به این رژیم

است در صدد است که تبعیض در مورد زنان را لایوشانی کند. نظام موجود در ایران، با همه قوانین شرعی و ضد زن آن امری نیست که کسی بتواند آن را پنهان کند. محکوم شدن در مجامع بینالمللی به دلیل نقض حقوق زنان، تناقضهایی است که اعضای

این فراکسیون با آن روبرو هستند. از آن جا که باقی ماندن نظام بیش از هر امر دیگری میچربد، طبیعی است که آنها حقوق زنان را در میان عبا و قبای ملایان مرد جستجو کنند و برای جلوگیری از محکومیت بین المللی بعضی طرحهای عوامفریبانه به مجلس ارایه دهند.

برابری زنان نه به وسیله قوانین ارتجاعی بلکه به وسیله قوانین دموکراتیک و مترقی در یک جامعه آزاد و عدالت طلب میسر است.

خریدن زیر عبا و قبای مالاها به دنبال حقوق زنان

زینت میرهاشمی

اعضای فراکسیون زنان مجلس ارتجاع از امروز (۱۲ آذر) بحث و مذاکره با برخی مراجع تقلید و آیت الله ها را آغاز کردند. بنا به گفته دیدار کنندگان، این مذاکرات سرآغاز فعالیتی با هدف پیدا کردن «راهکارهای مناسب در چارچوب اجتهاد و فقه پویا» است. البته کولایی با اظهار خوشحالی در مورد این دیدار میگوید: «ما این دغدغهها را خدمت مراجع مطرح کرده و از آنها کمک خواستیم، ما تصمیم داریم با تمام مراجع صحبت کنیم.» یکی از بحثهای امروز میان زنان و مردان مراجع، برابری دین زن و مرد بوده است.

اعضای این فراکسیون که نمایندگی مجلس ششم ارتجاع را به عهده دارند ناامید از شورای نگهبان دست به دامن مراجع شده اند. این فراکسیون با ارائه طرحهای ناقص و متناسب با قوانین موجود و حفظ خیمه نظام، در پس گرد و غبار هیاهوی تبلیغاتی، حتی موفق نشدند که یکی از آنها را جهت تعدیل وضعیت نابسامان زنان به ثبت برسانند.

از آخرین طرح آغاز میکنیم. روز ۱۰ آذر مخبر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس خبر از ارائه طرحی به نفع زنانی که همسران خارجی دارند، داد.

در قوانین مدنی جمهوری اسلامی اگر یک مرد همسر غیر ایرانی بگیرد به همسر و فرزندان او تابعیت ایرانی داده میشود در حالی که اگر یک زن ایرانی همسر غیر ایرانی بگیرد (در صورتی که مرد به دین اسلام روی بیاورد)، می تواند تقاضای اقامت موقت نماید. بنا به گفته مخبر این کمیسیون، در این طرح درخواست تابعیت برای مردانی که تا سال ۸۰ با دختران ایرانی ازدواج کردهاند، شده است. تصویب نشدن این طرح در روز ۱۲ آذر حتی فرصت بهره تبلیغاتی را به پیشنهاد دهندگان این طرح نداد.

بنا به داده های آماری رژیم، حدود ۳۶ هزار نفر زن ایرانی، همسران افغانی دارند. این ازدواجها به دلیل شامل قانون نشدن، به ثبت نرسیده است. همچنین بر اساس آمار موجود نزدیک به ۸۰۰ هزار افغانی که بیشتر محصول این ازدواجها

مرگ تدریجی

نویسنده: ادوارد سعید

ترجمه: ب. محله

ادوارد سعید یکی از چهره های سرشناس جهان در ادبیات مدرن و تئوریهای فرهنگی است و بیش از سه دهه صدای رسایی در دفاع از حق تعیین سرنوشت فلسطینیها بوده است. از جمله آثاری که وی اخیراً منتشر ساخته می توان از "پایان روند صلح، اسلو و پس از آن" (انتشارات ورتنیج، ۲۰۰۰)، "دروس های تبعید" (انتشارات دانشگاه هاروارد، ۲۰۰۰)، و "قدرت، سیاست و فرهنگ" (انتشارات پنتون، ۲۰۰۰) اشاره نمود.

مقاله زیر ابتدا در هفته نامه الاهرام، چاپ قاهره (۱۴-۹ اوت ۲۰۰۲) چاپ شده بود، که ماهنامه مانثلی ری ویو در شماره اکتبر ۲۰۰۲ آن را بازچاپ نموده است. ترجمه این مقاله از متن منتشر شده در مانثلی ری ویو انجام شده است.

ب. محله

بیماری طولانی مدت، گذشته از ناراحتی فیزیکی ای که به همراه دارد، ضمیر آدمی را نیز از احساس بیچاره گی بر می سازد؛ حال بگذریم که گهگاهی هم روشن بینی نقادانه ای به آدم دست می دهد که باید قدرش را دانست. طی سه ماه گذشته بیشتر وقتم را رفت-و-آمد به بیمارستان گرفته است. روزهای متوالی برای معالجات درآورد، تزریق خون، آزمایشهای پایان ناپذیر، ساعتی متمادی بیهوده گی و خیره به سقف ماندن، خستگی از پای درآورد و عفونت، عدم توانایی انجام کارهای روزمره، و فکر و فکر و فکر گذشته است.

هر از چند گاهی نیز لحظاتی از روشن بینی از راه می رسد که گاهی تصویری از حیات روزانه را به ذهن متبادر ساخته و این فرصت را فراهم می آورد که تا از زوایای مختلف به آن چه که در بیرون می گذرد (البته بدون آن که قدرت انجام کاری وجود داشته باشد) نگاه شود. خواندن اخبار مربوط به فلسطین و دیدن مناظر دهشتناک مرگ و نیستی بر صفحه تلویزیون، جملگی جزئیاتی است که مرا به کنه سیاستهای دولت اسرائیل و یا به عبارت دقیق تر، به آن چه که در ضمیر آریل شارون می گذرد هدایت نموده است؛ نتیجه گیری ای که به راستی برای من حیرت آور بوده است. و آن گاه پس از بمباران اخیر غزه توسط یکی از F16 های اسرائیلی، که به قتل نه کودک فلسطینی منجر شد، توانستم به درک بسیار روشن تری از آن چه که یک مغز علیل قادر به انجام آن است، آن هم نه فقط آن چه را که خود طرح ریزی و فرماندهی می کند، بلکه تا آن جا که قادر است دیگران را نیز به مسیر مالیکولیایی و جنایت کارانه اش بکشاند، دست یابم. کنکاش در اعماق ضمیر مقامهای دولتی اسرائیل اگرچه مشمئز کننده است، اما واجد ارزش فراوان می باشد.

در غرب، اما اخبار مربوط به عملیات انتحاری فلسطینیها آن قدر در رسانه ها تکرار شده و چنان شیطنی جلوه داده می شود، تا بدین ترتیب واقعیتی بسیار بدتر از آن، یعنی جنایات رسمی دولت اسرائیل و یا شاید بهتر است گفته شود درنده خویی منحصر به فرد شارونی، که دانسته و روش واره بر خلق فلسطین اعمال می شود، آشکارا پرده پوشی گردد. اگر چه عملیات انتحاری قابل سرزنش است، اما از نظر من نتیجه مستقیم برنامه ای آگاهانه از سالهای متممادی بدرفتاری، ناتوانی و نومییدی است. عملیات انتحاری هیچ ارتباطی با به اصطلاح گرایش مسلمانان و یا عرپها به خشونت ندارد. آریل شارون تروریسم می خواهد نه صلح، و در این راه از هر آن چه که در دست

دارد در جهت ایجاد شرایط مناسب برای آن فروگذار نمی کند. خشونت که فلسطینیها به آن متوسل می شوند، که در حقیقت پاسخ خلقی درمانده و تحت سرکوب وحشیانه است، از بستر تاریخی اش و از زمینه های عینی بروزش و شرایط وحشتناک رنج و مشقتی که زادگاه چنین خشونت است جدا می شود؛ هر گونه قصور در مشاهده این واقعیت مبین کوتاهی انسانیت است، مشاهده ای که اگرچه از زشتی خشونت فلسطینیها درجه ای نمی کاهش، اما دست کم آن را در جایگاه مناسب تاریخی و جغرافیایی اش قرار می دهد.

و می بینیم که جایگاه و زمینه های وجودی ترور فلسطینیها حتا لحظه ای نیز امکان آن را نیاخته است که در برابر دیده گان همه به نمایش درآید؛ و در عوض، خشونت گری فلسطینیها سرسختانه و به مثابه پدیده ای کاملاً انتزاعی زیر ذره بین قرار گرفته است؛ به عنوان پدیده اهریمنی ناب و مطلقاً کورکورانه ای که اسرائیل، دست بر قضا، یک تنه و علی الظاهر به نماینده گی از خیر ناب و با توسل به تمامی نیروهای قهریه اش بر علیه آن، یعنی علیه سه میلیون فلسطینی غیرنظامی، می جنگد. من در این جا تنها از دست کاری افکار عمومی توسط اسرائیل صحبت نمی کنم، بلکه روی سخنم در عین حال سودجویی دولت اسرائیل از کمپین علیه به اصطلاح تروریسمی است که ایالات متحده به راه انداخته است؛ امری که بدون آن به احتمال بسیار زیاد اسرائیل نمی توانست به انجام آن چه که اکنون انجام داده است نایل آید. در حقیقت، هیچ کشور دیگری را سراغ ندارم که توانسته باشد در برابر دیده گان تماشاچیان تلویزیون در سراسر جهان این چنین سادسیم عنان گسیخته را بر علیه تمامی یک ملت به نمایش بگذارد و این گونه نیز از زیر بار مسئولیت آن در برود. می خواهم در عین حال بگویم که این دیوسیرتی، آگاهانه، به بخشی از کمپین جورج بوش علیه به اصطلاح تروریسم بدل شده است، تا فانتزی آمریکاییها به طور کاملاً غیر منطقی و بسیار آسان بزرگ نمایی شود. همانند گردانهای روشنفکران بی مایه (و از دیدگاه من کاملاً فاسد) آمریکایی که پیرامون اهداف و نیاز به امپریالیسم ایالات متحده انباری از دروغ و فریب را پرانگنده اند، جامعه اسرائیل نیز انبوهی از آکادمیکها، مغزهای متفکر، سیاست سازان، و نظامیهای سابق را در خدمت امور مربوط به دفاع و روابط عمومی به خدمت گرفته است تا جملگی بتوانند سیاستهای غیرانسانی و سرکوبگرانه دولت اسرائیل را، که ظاهراً بر اساس نیازهای امنیتی اسرائیل طراحی شده است، توجیه نموده و به افکار عمومی بقبولانند.

امنیت اسرائیل اکنون به دیوی خیالی بدل شده است - هم چون یونیکورن، موجودی افسانه ای، که جست-و-جو برای اش همواره ادامه دارد اما هیچ گاه پیدا نمی شود - و البته که برای همیشه به عنوان هدفی برای اقدامات آینده باقی خواهد ماند. این امر که اسرائیل با گذشت زمان ناام تر گشته و بیش از پیش برای همسایه گان اش غیرقابل قبول شده است، عمیقاً نیازمند تأمل است. از سوی دیگر، به راستی چه کسی این ایده که "امنیت اسرائیل می باید که معرف دنیای اخلاقی که در آن به سر می بریم باشد" را به چالش می کشد؟ تردیدی نیست که این چالش از سوی رهبران فلسطینی و عرب که به مدت سی سال به هر چیزی برای امنیت اسرائیل گردن نهاده اند نخواهد بود. حال در پرتو این حقیقت که اسرائیل، در قیاس با اندازه اش، بیش از هر کشور دیگری در جهان به فلسطینیها

و اعراب خسارت وارد ساخته است؛ و در پرتو واقعیت زرادخانه اتمی اش، نیروی هوایی، دریایی و زمینی اش که به طور نامحدود از کیسه مالیات دهنده های ایالات متحده تامین می شود؛ آیا نباید به دنبال پاسخی برای سوال بالا برآمد؟ آری بدین ترتیب دقایق زنده گی فلسطینیها استار می شود، و مهم تر از آن با توسل به منطق دفاع از خود و تعقیب تروریسم (بمب سازی تروریسم، لانه تروریستها، کارخانه بمب سازی تروریست ها، افراد مظنون به تروریسم، ... این فهرست را انتهای نیست!) که کاملاً مناسب حال شارون و جورج بوش است، رنج و ستمی که فلسطینی ها هر لحظه باید تحمل کنند، پوشانده می شود. و این گونه است که ایده های مربوط به تروریسم حیات مستقل به خود یافته، و توجیه و بازتوجیه می شود، بدون آن که به طور منطقی و از طریق یک بحث اقناعی به اثبات برسد.

برای نمونه، خوب است که ویرانگری را که در افغانستان اتفاق افتاده است از یک سو، و کشتار از پیش طراحی شده بیش از یکصد فلسطینی را از سوی دیگر در نظر بگیریم (در این جا نمی خواهم راجع به هزاران به اصطلاح "مظنون" که توسط نیروهای اسرائیلی دستگیر و هنوز هم زندانی اند اشاره کنم). هیچ کس این سوال را نمی پرسد که آیا همه اینهایی که کشته شده اند تروریست بوده اند؟ و یا این که آیا تروریست بودنشان در هیچ محکمه ای اثبات شده بود؟ و یا این که شاید این افراد در شرف تروریست شدن بودند؟! همه آنها بدون هیچ گونه اما و اگری خطر محسوب شده اند. برای قبولاندن این امر به افکار عمومی یکی-دو سخنگوی از خود راضی مانند *رعنان گیسین ابله، اوی رازرنی* یا *دور گولد* لازم است و یک آدمی هم مانند *عری فلیشر* (Ari Fleisher) در واشنگتن که بی وقفه برای خرفتی و هذیان گوییهای آنها دلیل تراشی کند، و آن وقت هدف هر که هست همان به که مرده باشد، آن هم بدون هیچ تردیدی، سوالی و یا تعللی، هیچ نیازی به اثبات و یا نازک بینی های خسته کننده ای از این قبیل نیست! تروریسم و تعقیب وسواسانه آن کاملاً به امری دایره وار، آدم کشی برای ارضا نفس و مرگ تدریجی دشمنی تبدیل شده است که در این امر از هیچ گونه اختیاری برخوردار نیست.

اگر از چند مورد ژورنالیست و نویسنده باجرت مانند *امیرا هاس، گیلتن له وی، آموس الان، تانیا له بهوویتز، جف هالپر، اسرائیل شامیر* و چند تای دیگر صرفنظر شود، بحث و مناظره عمومی در رسانه های اسرائیل، هم به لحاظ کیفیت و هم صداقت نظر، به شدت سقوط نموده است. به نظر می رسد که آن روزهای اسرائیل *شاهاک، ژاکوب تالمون، یهوشتا لبوویچ* دیگر سپری شده باشد. دیگر به ندرت می توان آکادمیک ها و روشنفکرانی مانند *زین استرنزل، یوری اونسری* و *ایلان پایه* را یافت که آن قدر شهامت داشتند که از بحثهای بی پایه-و-اساس و ابلهانه در باره "امنیت" و "تروریسم"، که به نظر می رسد اکنون سرتاسر اردوی صلح و حتا چپ رو به افول را تسخیر نموده، فاصله بگیرند. به نام اسرائیل و به نام ملت یهود هر روز جنایت است که رخ می دهد، و آن وقت روشنفکران سرگرم بحثهای بیهوده ای از این دست اند که فی المثل آیا باید به یک عقب نشینی استراتژیک دست بقیه در صفحه ۱۶

بقیه از صفحه ۱۵
 زد؟ و یا آن که باید شهرک نشینها را ادغام نمود؟ و یا حتی این که آیا باید پروژه عظیم سیم خاردار کنشی را دنبال نمود! (راستیا! در دنیای مدرن تا کنون ایده ای از این احماقانه تر عرضه شده است که بخواهد چندین میلیون انسان را در قفسی بزرگ زندانی نموده و سپس موجودیشتان را انکار کند!)) کجایند همناهای اسرائیلی نیلین گوردیمر، آندره برینک، آتول فیوگارد، نویسنده گان سفیدپوستی که بدون هیچ ابهامی و با وضوح تمام علیه اهریمن جدایی نژادی در آفریقای جنوبی برخواستند؟ پاسخ ساده است: چنین کسانی امروز در اسرائیل وجود ندارند، جایی که بحث و نظر عمومی از سوی نویسنده گان و آکادمیکها به مغلق گویی و تکرار تبلیغات رسمی تنزل یافته است؛ جایی که واقعا نوشتار و اندیشه های دست اول به کل، حتی از بنیادهای آکادمیک نیز رخت بر بسته است. برای درک آن چه که در اسرائیل می گذرد و طرز تفکری که این کشور را با این درجه از سخت سری در طول دو سال گذشته فرا گرفته است باید به طرح شارون دقیق شد. این طرح چیزی جز محو کردن تمامی یک خلق با خفه کردن سیستماتیک و تدریجی، قتل آشکار و خاموش نمودن شعله های زنده گی روزمره نیست. کافکا داستان زیبایی دارد به نام In the Penal Colony، که داستان یک صاحب منصب دیوانه است که ماشین شکنجه ای را که بسیار دقیق طراحی شده است به نمایش گذاشته است. کار این ماشین شکنجه نوشتن برستاسر بدن قربانی با حروف بسیار ریز و با استفاده از شبکه پیچیده ای از سوزنه است که سرانجام باعث می شود که زندانی بر اثر خون ریزی زیاد از پای درآید. این دقیقا همان چیزی است که شارون و گردان جلاخان بالفطره اش دارند در مورد فلسطینیها انجام می دهند. اکنون هر فلسطینی به یک زندانی تبدیل شده است. غزه از سه سو توسط سیمهای برق دار حصار شده است. غزه ای ها، که هم چون حیوان اسیر گشته اند، نمی توانند از جایی به جایی بروند، نمی توانند کار کنند، نمی توانند سبزی و میوه شان را بفروشند، و یا به مدرسه و دانشگاه بروند. آنها از هوا زیر حمله های دائمی هواپیماها و هلیکوپترها قرار دارند و از زمین نیز توسط تانکها و مسلسلهای اسرائیلی هم چون بولقلمون هدف قرار می گیرند. غزه، فقیر و گرسنه، یک تراژدی انسانی است. هر کدام از ماجراهایش را که بنگری - مانند آن چه که در ارض (Erez) و یا در نزدیک شهرک نشینها می گذرد - ماجرای غم انگیزی است که در هر کدام آن هزاران سرباز اسرائیلی برای توهین، شکنجه، و تحقیر تحمل ناپذیر یکایک فلسطینیها، بدون رعایت سن، جنسیت و

یا سلامت جسمانی، صف کشیده اند. مواد دارویی را در مرزها به بند می کنند، به سمت آمبولانسها شلیک می کنند و یا بی دلیل آنها را متوقف می سازند. صدها خانه ویران شده است؛ صدها هزار اصله درخت و نواحی وسیعی از زمینهای کشاورزی در یک اقدام سیستماتیک مجازات دسته جمعی علیه غیرنظامیها نابود شده است؛ غیرنظامیهایی که بسیاری شان از جمله آواره گانی هستند که به دنبال تخریب شهرها و محلاتشان در سال ۱۹۴۸ توسط اسرائیل آواره شده اند. دیگر امید از قاموس مردم فلسطین رخت بر بسته است، و آن چه که به جای مانده است صرفا کینه و مقاومت است. با این وجود، شارون و نوکران سادیستش درباره از میان بردن تروریسم با اشغال نظامی باز هم بیشتر، که مدت سی و پنج سال است بی وقفه ادامه دارد، وراجی می کنند. اما این واقعیت مسلم که چنین کمپینی، مانند هر قضاوت دیگر استعماری، محکوم به شکست است، و تأثیری جز ایجاد مقاومت بیشتر در فلسطینیها نخواهد داشت، طبیعی است که به مغز گچی شارون فرو نرود.

ساحل غربی رود اردن توسط یک هزار تانک اسرائیلی اشغال شده است که تنها هدفشان شلیک بر روی غیرنظامیها و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم است. حکومت نظامی، بعضا به مدت دو هفته و بی امان اعمال می شود. مدرسه ها و دانشگاه ها یا بسته اند و یا اگر هم باز باشند، امکان رفتن به کلاس برای دانش آموزان و دانشجویان نیست. امکان مسافرت نه تنها میان نه شهر عمده، بلکه حتی در داخل شهرها نیز وجود ندارد. شهرها به انباشتی از ساختمانهای ویران، ساختمانهای اداری به تاراج رفته تبدیل شده اند، و با سیستم آب و فاضلاب و برق داغان شده امکان زنده گی نرمال از ساکنین آنها سلب شده است. بازگانی به طور کامل متوقف است. نیمی از کودکان با مشکل بدی تغذیه روبرو هستند. دو سوم جمعیت زیر خط مطلق فقر (کمتر از دو دلار درآمد روزانه) به سر می برند. در جنین (Jenin) (شهری که در آن جنایت جنگی ارتش اسرائیل در تخریب اردوگاه های آواره گان به این دلیل که بوروکراتهای بین المللی بزدلی هم چون کوفی عنان که با هر تشر اسرائیل در برابرش زانو می زند هیچ گاه مورد تحقیق قرار نگرفت) تانکها به سمت کودکان آتش گشوده و آنها را به قتل می رسانند. و این تنها قطره ای است از دریای بی کران تلفات انسانی فلسطینیها توسط سربازهای اسرائیلی که راه گشای اشغال نظامی غیرقانونی است. فلسطینیها همه "مظنون به تروریسم" هستند. سربازهای اسرائیلی در تمامی پستهای بازرسی دارای اختیارات تام و تمام برای اعمال هرگونه شکنجه فردی و تحقیر

فلسطینیها هستند. ابتدا ساعتگاهی پی-در پی در زیر آفتاب به انتظار ماندن است؛ سپس ضبط مواد دارویی و تره بار است که تا در زیر گرمای کشنده پوسیده و ضایع شود؛ توهین، تحقیر و ضرب و شتم، هر آن گاه که سربازها اراده کنند، فراوان است؛ وحشی گریهای ناگهانی توسط سربازها و هجوم جبهه های ارتشی به صفهای طولیل هزاران انسانی که نوبت شان را در پستهای بازرسی به انتظار نشسته اند، زندگی فلسطینیها را به جهنم تبدیل ساخته است؛ جوان ها را برای ساعت های پی-در پی در زیر آفتاب به زانو زدن وادار ساختن و یا مردها را به لخت شدن مجبور کردن؛ توهین و خوار ساختن پدرا و مادرها در برابر دیده گان فرزندانشان؛ مانع از عبور بیماران بدون هیچ دلیلی جز برای تفریح شخصی؛ توقف آمبولانسها و گشودن آتش به رویشان؛ اینهاست گوشه هایی از شقاوتی که بر خلق فلسطین روزمره روا می شود. و شماره کشته شده گان فلسطینی (که چهار برابر تعداد اسرائیلیهاست) روزانه و غالبا بدون آن که در جایی به ثبت برسد، رو به افزایش است.

غالبا از اسرائیل به عنوان یک دموکراسی یاد می شود. اگر این طور است، آن گاه باید گفته شود که این یک دموکراسی بی وجدان است؛ کشوری که روحش توسط جنون مجازات ضحفا تسخیر شده است؛ دموکراسی ای که آئینه تمام عیار ذهنیت علیل رهبرش، آرئیل شارون است. آرئیل شارون، رهبری که تنها ایده اش - نمی دانم که آیا ایده واژه درستی در این مورد باشد - کشتن، تخریب، آسیب وارد ساختن و راندن فلسطینیهاست با این هدف که "در هم بشکنند". رهبری که وراء انهدام هیچ چیز مشخصی را به عنوان هدف اش، خواه در گذشته و یا اکنون، ارایه نکرده و نمی کند، و همانند آن صاحب منصب وراج در داستان کافکا، به ابزارش برای آزار و شکنجه غیرنظامیهای بی دفاع فلسطینی فخر می فروشد، در حالی که در تمام مدت توسط خیل مشاوران، فیلسوفها و ژنرالهای دربارش و هم چنین کر خدمت گذاران وفادار آمریکایی اش در یاهو سربازهای مضحک تشویق می شود.

ارتش اشغالگر فلسطینی وجود ندارد، تانکهای فلسطینی خاکی را به توبره نکشیده اند، سربازهای فلسطینی که همه جا گشت بزنند دیده نمی شوند، از هلیکوپترهای توپدار فلسطینی خبری نیست، فلسطینیها توپخانه ندارند، و دولتی را هم که بتوان اسمش را دولت گذاشت وجود ندارد. اما، "تروریستها"

هستند، و "خشونت" نیز، که اسرائیل خلق نموده است تا به آن بهانه بتواند پلیدیهای خویش را بر بدن فلسطینیها حکاکی کند بدون آن که از سوی خیل بزرگ فیلسوفهای عقب مانده، روشنفکران، هنرمندان و فعالین صلح اسرائیلی مورد اعتراض جدی قرار گیرد. مدرسه ها، دانشگاهها و کتابخانه های فلسطین ماههاست که به تعطیلی کشانده شده است و ما هنوز در حسرت نشین اعتراضی از سوی مدافعان پر سر و صدای آزادیهای آکادمیک آمریکایی به سر می بریم. تا به اکنون حتی یک تشکل آکادمیک را چه در اسرائیل و چه در غرب ندیده ام که در اعتراض به پایمالی این چنین آشکار حق فلسطینیها در احتساب دانش، حق فراگیری و حق حضور در کلاس درس اعلامیه ای صادر کرده باشد.

خلاصه کنم. فلسطینیها باید به مرگ تدریجی بمیرند تا اسرائیل امنیت داشته باشد؛ امنیتی که اگرچه کاملا در دسترس است اما به خاطر "عدم امنیت" ویژ۵ اسرائیل غیرقابل وصول است؛ برای به اصطلاح امنیت اسرائیل دنیا باید همدردی نشان دهد، اما اشک کودکان یتیم فلسطینی، پیرزنها بیمار، محله های داغدار، و فریادهای زندانیهای شکنجه شده گوش شنوایی نمی یابد و در جایی به ثبت نمی رسد. بی شک به ما گفته می شود که این همه جنایت تنها به خاطر قضاوت سادیستی این یا آن فرد نیست، بلکه در خدمت به هدف بزرگتری قرار دارد! از آن گذشته، مگر نه آن که "هر دو طرف" در "چرخه ای از خشونت" گرفتار آمده اند که می باید زمانی و در نقطه ای متوقف گردد! هر از گاهی، اما، لازم است که مکشی کرده و با تحکم اعلام کنیم که تنها یک طرف از این "دو طرف" قضیه صاحب ارتش و کشور است. طرف دیگر، اما، خلقی است بدون کشور، که همه چیزش از وی گرفته شده است، و از هیچ حقوقی برخوردار نبوده و درحال حاضر نیز از هیچ راهی قادر به کسب حقوق از دست رفته اش نیست. زبان رنج و شکنج و زنده گی روزمره این خلق یا به سخت رفته است و یا آن چنان منحرف گردیده است که تا، به باور من، بی مصرف شود، مگر آن که هم چون نمایش نابی در خدمت باز هم کشتن بیشتر و شکنجه های طاقت فرساتر - آرام-آرام، سنگدلانه و بی رحمانه - به پرده کشیده شود. این تمامی حقیقت رنجی است که فلسطینیها می کنند.

با این همه، سیاستهای اسرائیل را سرانجامی جز شکست در انتظار نیست.

ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره‌ی به هزار سال مبارزه فرهنگی

(۳۴)

اسماعیل وفا یغمایی

نقش فقیهان سنی و شیعه در دوران مغولها

تأثیر فقه‌های سنی دربار خلافت و نقش خلیفه در برانگیختن مغولان در حمله به ممالک خوارزمشاهیان در اثر سرکشی سلطان محمد خوارزمشاه نسبت به دستگاه خلافت، و مدتی بعد تأثیر فقیهان شیعه و فقیه و عالم صاحب نام شیعه خواجه نصیر الدین طوسی در کشانندن سپاهیان مغول به بغداد مرکز خلافت عباسیان و کشتار هشتصد هزار نفر از مردم بغداد و اطراف آن، از نکات قابل تأکید و قابل بررسی دوران مغولان و کشاکشها و نقش مذهب در آن دوران است که می‌تواند موضوع تحقیقی مستقل و جالب قرار بگیرد. این تحقیق می‌تواند نشان دهد در حالی که بزرگان سنی و شیعه رسمی - که برخی از آنها از تئوریسینهای صاحب نام و دارای احترام شیعیان یا سنیان هستند - در کنار خلیفه وقت و یا خان مغول با احترام و عزت می‌زیستند و خود در زمره ثروتمندان و فئودالهای قدرتمند دوران بودند خون صدها هزار تن از مردمان شیعه و سنی شهری و روستایی از تیغه شمشیرها می‌چکید، و در زیر مهتاب و خورشید خونگرفته و مهیبی که بر ایران می‌تابید، در کنار کوههایی از جسد و در میان شهرهای ویران، توده های بی پناه مردم آماج وحشیانه ترین تجاوزها، تاراجها و کشتارها بودند.

در روزگار حکومت خمینی و ادامه دهندگان حکومت خمینی و هنگامی که هنوز متون نوشته شده توسط خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی و امثال آنان بر سرنوشت ملتی حاکم است و در دورانی که العلقمی ها وزیر آخرین خلیفه عباسی و سپس نماینده هلاکو خان در بغداد، در هاله ای از تقدس و احترام خود را می نمایانند و در ایامی که ایران در بستر یک بیداری مهار ناپذیر تاریخی به ویژه در زمینه مذهب و فرهنگ به جلو می‌رود فی الواقع باید بر این حقایق درنگ کرد و پلکها را گشود و مبرات متعفن و پوسیده آخوندها را در تمام زمینه ها به زباله دان سپرد.

سلسله های دوران فترت

سلسله های دوران فترت، به سلسله های ریز و درشتی گفته می‌شود که اگر چه

برخی از آنها به موازات دوران انتهای حکومت مغولان وجود داشتند اما در نهایت، در فاصله میان دوران مغولها و تهاجم امیر تیمورگورکانی بر بخشهای مختلفی از ایران حکومت کردند و سرنوشت توده های گسترده ای از مردم ایران با عملکردهای این حکومتها و حکومتگران در آمیخت.

همان طور که قبل از این اشاره شد پس از حمله سپاهیان عرب و تغییر حکومت و تغییر هویت و فرهنگ ایران فتح شده و اشغال شده، ایران پس از مدت زمانی شبیه ظرف چینی به زمین کوبیده شده و تکه تکه ای شد که بر هر تکه آن کسی لوی حکومت را بر افراشت. در دورانهای فترتی که بر ایران گذشته است به ویژه در حد فاصل حمله چنگیز و تیمور این تکه تکه شدن، یعنی عدم تمرکز و تبدیل فئودالیسم متمرکز به خرده فئودالیسم، گستردگی بیشتری یافت. اصلی ترین سلسله هایی که حداقل دوران چنگیز و تیمور را پر کرده و بر مردم ایران حکومت کردند سلسله هایی هستند که در زیر به آنها اشاره می‌شود. برخی از این سلسله ها پیش از دوران مغولها نیز در گوشه هایی از ایران زمام قدرت را در دست داشتند.

سلسله پادشاهان آل کرت

۶۴۳ - ۷۸۷ هجری، ۱۲۴۵ - ۱۳۸۵ میلادی

۱ - ملک شمس الدین محمد ابن ابی بکر، ۶۴۳ - ۶۷۷ هجری. او موسس سلسله آل کرت است. ملک شمس الدین پس از ملک رکن الدین که پدر بزرگ او بود و بر قلعه خیساار از قلعه های میان هرات و غور حاکم بود زمام حکومت را در دست گرفت. پدر بزرگ او ملک رکن الدین در حلقه اطاعت پادشاه غوریان بود و پس از حمله مغول در زمره مطیعان چنگیز خان در آمد. پس از ملک رکن الدین، ملک شمس الدین به مغولان متکی بود و منگوقاآن پادشاه مغول حکومت نواحی هرات، جام، باخرز، پوشنگ، غور، خیساار، فیروز کوه، غرستان، مرغاب، مرو رود، فاریاب، اسفاز، فراه، سیستان و کابل را به او داد. ملک شمس الدین تا سال ۶۷۷ هجری حکومت کرد و در این سال در کشاکشهای سیاسی در تبریز با زهر مسموم شد و مرد.

۲ - ملک رکن الدین ابن شمس الدین، ۶۷۷ - ۷۰۵ هجری. او پس از پدرش به فرمان اباقا خان به حکومت رسید. دوران او دوران کشاکش میان او و پسرش ملک فخر الدین بود. سرانجام ملک فخر الدین به دست پدرش محبوس گشت. امامیه و ساطت امیر نوروز یکی از امیران مغول آزاد شد و به حکومت هرات منصوب

گشت. ملک رکن الدین پس از مرگ اباقاخان در قلعه خیساار متحصن گشت و تا پایان عمر در این قلعه به سر برد. ۳ - ملک فخر الدین ابن رکن الدین ۷۰۵ - ۷۰۶ هجری. دوران حکومت او یکسال بیشتر طول نکشید و به کشاکش با الجایتو پادشاه مغول گذشت. ملک فخر الدین در سال ۷۰۶ هجری حین کشاکش با سپاهیان مغول در گذشت و هرات پایتخت او به دست سپاهیان مغول تسخیر شد.

۴ - ملک غیاث الدین ابن فخر الدین ۷۰۷ - ۷۲۹ هجری. پس از ملک فخر الدین مغولان حکومت را به پسر او غیاث الدین سپردند. ملک غیاث الدین در بخش اعظم حکومت خود با مغولان همراه بود. او در سال ۷۲۹ هجری در حالیکه مورد بی مهری خان مغول قرار داشت در گذشت.

۵ - از سال ۷۲۹ تا ۷۷۱ سه پسر ملک غیاث الدین به نامهای ملک شمس الدین محمد ۷۲۹ تا ۷۳۰ هجری، ملک حافظ ۷۳۰ تا ۷۳۲ هجری و ملک معز الدین حسین ۷۳۲ تا ۷۷۱ هجری حکومت کردند. دوران ملک معز الدین دوران ظهور سرداران خراسان و امیرقزغن در ترکستان و کشاکش آل کرت با این دو سلسله است.

۶ - پس از ملک معز الدین پسرش ملک غیاث الدین ثانی بر تخت حکومت نشست. او آخرین پادشاه سلسله آل کرت است و سرانجام با یورش امیر تیمور و قتل او و نزدیکانش کار سلسله کرت در سال ۷۸۷ هجری، ۱۳۸۵ میلادی به پایان رسید.

سلسله اتابکان فارس (اتابکان

سلغری)

۵۴۳ - ۶۸۳ هجری، ۱۱۴۸ - ۱۲۸۴ میلادی

۱ - اتابک سنغر ۵۴۳ - ۵۵۸ هجری. او با شورش علیه ملکشاه سلجوقی بر فارس استیلا یافت و با لقب مظفر الدین خود را پادشاه خواند و سلسله اتابکان فارس را تاسیس کرد. دوران او به کشاکش با ملوک شبانکاره که بر دارابگرد و نیریز و طارم و اصطهبانات و... مسلط بودند گذشت. اتابک سنغر به مدت چهارده سال بر شیراز حکومت کرد، در دوران او شیراز رو به آبادی و آرامش داشت.

۲ - اتابک مظفر الدین زنگی ابن مودود ۵۵۸ - ۵۷۱ هجری. او برادر اتابک سنغر بود. دوران او دوران کشاکش شدید اتابکان فارس با ملوک شبانکاره بود. اتابک مظفر الدین برای مبارزه با ملوک شبانکاره به سلطان

ارسلان ابن طغرل سلجوقی اعلام وفاداری کرد و از او رسماً فرمان اتابکی را دریافت کرد.

۳ - اتابک طغرل ابن سنغر ابن مودود از ۵۹۱ تا ۵۹۹ هجری حکومت کرد دوران او دوران کشمکش دایمی بین او و پسر عمویش سعد ابن زنگی ست. اتابک طغرل سر انجام در سال ۵۹۹ هجری از سعد ابن زنگی شکست خورد و دوران حکم متش به پایان رسید.

۴ - اتابک سعد ابن زنگی ۵۹۹ - ۶۲۳ هجری. دوران او دوران کشاکش میان او و اتابکان آذر بایجان و خوارزمشاهیان است. در این کشاکشها اتابک سعد ابن زنگی از خوارزمشاه شکست خورد و با سپردن چهار دانگ محصول فارس، ازدواج دخترش ملکه خاتون با سلطان جلال الدین خوارزمشاه، به گروگان سپردن پسرش و تسلیم دژهای سه گانه سه گنبدان از مرگ نجات یافت و دوباره به حکومت فارس رسید. او پس از بازگشت به فارس نخست با شورش پسر خود ابوبکر روبرو شد و پس از فرو نشاندن این شورش باقی عمر را در شیراز ماند و روزگار را صرف بنای مساجد و عمارات و حفر قنات و حصار کشیدن به دور شیراز و صحبت با اهل شعر و نمود.

۵ - اتابک ابوبکر سعد ابن زنگی ۶۲۳ - ۶۵۸ هجری. او برای نجات فارس از ویرانی، با مغولان از در آشتی در آمد و تعهد کرد همه ساله خراج سنگین به دربار مغول بفرستد. با این سیاست فارس و جنوب ایران از کشتار و ویرانی نجات یافت. دوران او دوران آرامش و آبادی شیراز و فارس در زمینه های مختلف از جمله فرهنگ و تجارت است. در دوران سعد ابن زنگی سلسله اتابکان فارس به اوج قدرت و حشمت رسید و عمان و بحرین و کیش و کناره خلیج فارس، از بصره تا سواحل هند به تصرف او در آمد و به همین دلیل به سلطان البر و البحر معروف گشت. اتابک ابوبکر محبوب و ممدوح سعدی ادیب بزرگ بود.

۶ - اتابک سعد ابن ابوبکر زنگی ۶۵۸ - ۶۵۸ هجری. در هنگام مرگ اتابک ابوبکر، پسرش سعد در سفر و بیمار بود و هفده روز پس از مرگ پدرش و قبل از رسیدن به شیراز در یکی از روستاهای تفرش در گذشت. او محبوب و ممدوح سعدی بود و دیباچه گلستان سعدی به نام او تالیف شده است.

بقیه در صفحه ۱۹

گزارش برنامه‌های هسته‌یی عراق



بنا به گزارش خبرگزاریها در گزارش ۱۲ هزارصفحه‌یی عراق نام شرکت‌های انگلیسی، آمریکایی، فرانسوی و آلمانی به عنوان تهیه کنندگان سلاح‌های کشتار جمعی برای عراق آمده است. خبرگزاری آسوشیتدپرس اعلام کرده است گزارشی که در اختیار این آژانس خبری قرار گرفته، شبیه همان گزارشی است که در هفتم دسامبر در اختیار مقام‌های سازمان ملل قرار گرفت. این گزارش به بهانه‌ی ممانعت از انتشار نحوه‌ی ساخت بمب هسته‌یی و افتادن آن به دست افراد نادرست و حفاظت از افراد و شریک‌هایی که در کار تهیه‌ی سلاح برای عراق بودند، علنی نشد.

این در حالی است که روزنامه‌ی آلمانی زبان "نگزتونگ" مدعی شده است که نسخه‌ی اصلی این گزارش را دیده است و گزارش دقیقاً همانی است که در اختیار ۵ عضو دائم شورای امنیت قرار گرفته است. براساس گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، شرکت‌های خارجی که به عراق در ساخت تسلیحات کمک کردند، از مدت‌ها قبل شناخته شده بودند، اما در گزارش اخیر به طور مشروح به نحوه‌ی همکاری آنها پرداخته شده است.

در گزارش عراق اسامی ۳۰ شرکت آلمانی، ۱۰ شرکت آمریکایی، ۱۱ شرکت انگلیسی و تعدادی از شرکت‌ها و کارخانه‌های سوئیس، ژاپنی، ایتالیایی، فرانسوی، سوئدی، و برزیلی آمده است. گفته می‌شود بیش از ۳۰ کشور در کار برنامه‌های هسته‌یی عراق دخیل بوده‌اند. از سوی دیگر ایندپندنت در گزارش خود از اسناد عراق تعداد کارخانه‌های آلمانی را ۸۰ شرکت و تعداد کارخانه‌ها و شرکت‌های آمریکایی را ۲۴ شرکت عنوان کرده است. این روزنامه به نقل از مقام‌های انگلیسی می‌نویسد: «این شرکت‌ها و کارخانه‌ها از سال ۱۹۷۵ در برنامه‌های تسلیحاتی عراق دست داشته‌اند و این همکاری تا سال گذشته ادامه داشته است.»

به نوشته‌ی ایندپندنت این فهرست شامل اسامی کارخانه‌های معروفی نظیر «زمینس» آلمان و «مولتی نشنال» آمریکا می‌باشد. زمینس با اجازه‌ی دولت ماشین‌هایی را که برای درمان سنگ‌های کلیوی استفاده می‌شود در اختیار عراق قرار داده است که این ماشین‌ها با کمی تغییر و بالا بردن دقت می‌توانند برای ساخت بمب اتمی مورد استفاده قرار گیرند.

روزنامه‌ی آلمانی در ادامه‌ی گزارش خود می‌نویسد: «از سال ۱۹۷۵ به بعد این شرکت‌ها تمامی درخواست‌ها و احتیاجات

عراق از ساخت عناصر، تا ارسال مواد اصلی و تکنیک و نحوه‌ی ساخت و

پیشبرد تسلیحات هسته‌یی، شیمیایی و میکروبی را در اختیار عراق قرار داده‌اند. آنها همچنین موشک و سیستم‌های تکمیلی سلاح‌های متعارف نیز به عراق فروخته‌اند.»

براساس گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، در گزارش عراق نتیجه‌ی کامل تلاش‌های هسته‌یی این کشور از اوایل دهه‌ی ۸۰ و جنگ خلیج فارس، دیباگرام‌ها، طرح‌ها، نتایج آزمایش‌ها برای غنی‌سازی اورانیوم، آزمایش مواد انفجاری و کلاهک‌های ساخته شده آمده است.

در یک فصل از این گزارش، عراق اعتراف کرده است که آزمایش‌های مقدماتی را برای افزایش غنی‌سازی اورانیوم انجام داده است. این روند بسیار بعید است و مرحله‌ی استخراج و تصفیه‌ی آن به هزاران سانتریفوژ با سرعت بالا و پیوسته نیازمند می‌باشد.

براساس این گزارش عراق‌ها با استفاده از الکترومگنت برای جداسازی ایزوتوپ‌ها و غنی‌سازی اورانیوم استفاده کرده‌اند. به گزارش آسوشیتدپرس، به گفته‌ی گری میل هولن، مدیر پروژه‌ی ویسکانزین مرکز دانشمندان کنترل سلاح‌های هسته‌یی، عراق‌ها هر آن چه را که برای ساخت بمب اتم نیاز است، دانسته‌اند. آنها از هیچ علم و یا تجهیزاتی دور نبوده‌اند و فقط به زمان نیاز دارند. میل هولن می‌گوید: «این که عراق تا این اندازه به سلاح هسته‌یی نزدیک شده باید از صدها تهیه‌کننده که تجهیزت و نحوه‌ی آموزش را در اختیار عراق قرار داده‌اند تشکر کرد! برای مثال وزارت بازرگانی آمریکا در سال‌های ۹۰-۱۹۸۵

تکنولوژی‌های نظامی به ارزش ۱/۵ میلیارد دلار به عراق فروخته است. آن زمان عراق به دلیل جنگ با ایران مورد حمایت غرب بود.»

براساس گزارش عراق، کمک واقعی از جانب کارشناسان و شرکت‌های آلمانی بخصوص شرکت مثال فورم، که نحوه‌ی ساخت و طراحی سانتریفوژها را به عراق آموزش داده، انجام شده است.

در گزارش هسته‌یی عراق آمده است همکاری Hand H ثمربخش بود و به کمک‌های تکنیکی و مشاوره به برنامه‌های مختلف محدود می‌شد. در سال ۱۹۹۳ دادگاه‌های آلمان دو کارمند شرکت Hand H را به دلیل نقض قوانین صادرات و کار با عراق متهم شناخت و به دو سال زندان محکوم کرد. شرکت‌های دایملر کریستلر و پرسوگ آلمان نیز از جمله شرکت‌های تهیه کنندگان سلاح‌ها و برنامه‌های تسلیحاتی عراق بوده‌اند.

این شرکت‌ها یا از اظهارنظر خودداری کرده و یا گفته‌اند که محموله‌های ارسالی آنها هیچ ارتباطی با سلاح نداشته است. دایملر کریستلر می‌گوید که کامیون یا قطعات خودرو به عراق فروخته است.

روزنامه‌ی آلمانی تاگه زیتونگ در گزارش خود آورده است در سال ۱۹۹۱ همکاری‌های تسلیحاتی عراق و آلمان با اجازه و نظر دولت بوده است. این روزنامه تصریح کرده است که آلمان برای توسعه و ساخت گازهای سمی که در سال ۱۹۸۸ علیه کردهای شمال عراق به کار گرفته شد، کمک‌های فراوانی کرده است.

به نوشته‌ی این روزنامه‌ی آلمانی، پس از قتل عام کردها، آمریکایی‌ها همکاری‌های نظامی خود با عراق را کاهش دادند، اما کارخانجات آلمانی تا زمان جنگ خلیج فارس همچنان به همکاری با عراق ادامه دادند.

به نوشته‌ی ایندپندنت، تاگه زیتونگ، به نقل از منابع نزدیک به دیک چنی می‌نویسد دولت بوش امیدوار است تا ثابت کند همکاری‌های شرکت‌های آلمانی با حکومت عراق در زمینه‌ی ارسال تجهیزات‌ی بوده که در ساخت سلاح‌های کشتار جمعی استفاده شده است.

کارشناسان تسلیحاتی آمریکا اخیراً از فروش حداقل هشت دستگاه پیشرفته "لیتوتریپتر" به عراق ابراز نگرانی کرده‌اند.

این دستگاه‌ها با استفاده از امواج مافوق صوت کار خرد کردن سنگ‌های کلیوی را برعهده دارند، اما این دستگاه‌ها کلید‌های الکترونیکی دارند که می‌توانند به عنوان چاشنی بمب اتم به کار روند. گفته می‌شود که عراق ۱۲۰ کلید از این ماشین‌ها را طی همان مراحل اولیه‌ی تحویل به عنوان قطعه‌ی یدکی درخواست کرده است.

به نوشته‌ی ایندپندنت تحویل این دستگاه‌ها با تصویب و تایید کمیسیون اروپا و سازمان ملل بود چرا که تحریم‌ها شامل تجهیزت پزشکی نمی‌شد. زمینس و دولت آلمان تاکید دارند که این دستگاه‌ها که هم اکنون در شمال عراق و تحت برنامه‌های سازمان بهداشت جهانی استفاده می‌شوند، قابل استفاده برای سلاح‌های اتمی نیستند.

ادبیات ایران در هزاره دوم

بقیه از صفحه ۱۷

۷ - اتابک محمد ابن سعد ۶۵۸ - ۶۶۰ هجری . او پس از مرگ پدرش نامزد اتابکی شد ولی در دوازده سالگی در سال ۶۶۰ هجری به دلیل سقوط از بام کشته شد .

۸ - اتابک محمد ۶۶۰ - ۶۶۱ هجری . پس از مرگ اتابک محمد ابن سعد چون کسی برای در دست گرفتن زمام حکومت وجود نداشت لاجرم حکومت را به یکی از نوادگان سعد زنگی سپردند ولی پس از مدت زمانی به دلیل خونخواریها و عیاشی های فراوان منقرض گردیدند . اتابک محمدر در سال ۶۶۱ هجری دستگیر گردید و به نزد هلاکو خان مغول فرستاده شد .

۹ - اتابک سلجوقشاه ۶۶۱ - ۶۶۲ هجری . او برادر اتابک محمد بود که دوران حکومتش دیری نپایید و به دست یکی از فرستادگان هلاکو خان مغول در سال ۶۶۲ به قتل رسید.

۱۰ - اتابک ابش خاتون ۶۶۲ - ۶۸۴ هجری . پس از قتل اتابک سلجوقشاه چون دیگر مردی برای به دست گرفتن زمام حکومت وجود نداشت حکومت را به بانوی مقتدر ، ابش خاتون دختر اتابک سعد ابن ابوبکر زنگی سپردند . در سال ۶۶۳ هجری هلاکو خان ابش خاتون را به ازدواج پسر خود منگو تیمور در آورد و از این سال به بعد فارس رسماً ضمیمه حکومت ایلخانان مغول گردید . ابش خاتون در سال ۶۸۳ هجری در تبریز در گذشت

ادامه دارد

می گویند از ایران بگویم

بقیه از صفحه ۱۱

را در این راه می گذارد بلکه بتواند شکم بچه هایش را سیر کند. اگر شوهر معتاد داشته باشد که دیگر بدتر، آخر سر نه چشم برایش مانده نه کمر، تازه چه شیر زبانی که با همین کار فرزنداناش را به دانشگاه حتی به دانشگاه آزاد با آن شهریه های سنگین و کمرشکن فرستاده اند تا بلکه روزی عصای دست خودشان شوند.

از این موارد در ایران بسیار است. مردان بسیاری هستند که با درگیر شدن در دام اعتیاد تمام بار مشکلات را بر دوش زناشیمان می گذارند و این همه هم به حقوق زن ظلم می شود. چرا باید اعتیاد اینچنین باعث ریشه کن شدن انسانها شود، چرا باید اینقدر در کشور ایران این مسئله به صورت اپیدمی درآمده باشد؟ چرا کشورهای دیگر این همه مشکل ندارند؟ که اگرهم گرفتار اعتیاد هستند به خاطر عیاشی است و نه از شدت فقر.

ادامه دارد

به مناسبت روز جهانی ایدز

بقیه از صفحه ۱۲

حقوق سرانه مردم ایران بیشتر از ۳۰۰ دلار است؟ شاید جیب عباي آخوندها کمی خالی شده و از این بابت آنها ناراحت هستند و از مبتلایان به این بلائی خانمان سوز در خواست کمک مالی می کنند. در سراسر جهان، دولتها تلاش می کنند که به سازمانها و انستیتوهای پزشکی کمک کنند تا راهی برای علاج این بیماری بیابند. برای مثال در کوبا تمام کمکهای مادی و معنوی برای این گروه از بیماران رایگان است.

آمار و ارقامها در کشور ما نشان می دهد که اثرات مخرب وجود و پیشروی این بیماری در سطح جامعه به قدری تکانهنده و قابل تامل است که هر انسانی را بر آن می دارد که باید هر چه سریعتر برای جلوگیری این بیماری و اپیدمی بیش از حد آن، راهی اصولی و منطقی پیدا کرد و جزء اصول اولیه آموزشی-بهداشتی قرار داد.

در چنین شرایطی که شاهد عزم جدی جهانیان برای رهایی از مشکلات مربوط به بیماری "ایدز" و زبانه های معنوی ناشی از این پدیده هستیم، با نگاه به درون جامعه ایران در می یابیم که متأسفانه شرایط در کشور ما، علیرغم فقدان آمار و ارقام جامع در باره تعداد مبتلایان به این بیماری، بسیار نگران کننده است. برنامه ای جدی برای مقابله با شیوع بیش از حد این بیماری و درمان بیماران مبتلا، نیز به چشم نمی خورد.

رژیم آخوندی، مشکل "ایدز" را به عنوان یک معضل محسوس نمی بیند و آن را جدی نمی گیرد. به همین دلیل نیز روند ابتلاء به این بیماری و مرگ ناشی از آن در ایران شتاب گرفته است.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول : زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

اروپا معادل	۱۷ یورو
آمریکا و کانادا و سوئد	۲۴ دلار
استرالیا	۴۰ دلار
تک شماره	۱ دلار
فرانسه	۱۱ یورو

آدرس نبرد خلق

در شبکه جهانی اینترنت

فرا سوی خبر در شبکه ایران - نبرد،

مطالعه کنید

www.iran-nabard.com

E.Mail:nabard@iran-nabard.com

جنگ خبر

www.jonge-khabar.com

اخبار روزانه در جنگ خبر مطالعه کنید

جنگ صدا

اخبار و تفسیر خبری و سیاسی رویدادهای هر

هفته را بر روی شبکه اینترنت گوش کنید

جنگ صدا روزهای سه شنبه هر هفته

روزآمد می شود

http://www.jonge-seda.com

منتشر شد

ماه و سازدهنی کوچک

دفتر دوازدهم از مجموعه های شعر

اسماعیل وفا یغمایی

در بخشی از مطلب آغازین مجموعه شعر به قلم شاعر با عنوان «در باره این دفتر» می خوانیم: «... مدتهاست که باور کرده ام شعر تفسیر تمام زندگی نیست زیرا به نظر من تمام زندگی تفسیرپذیر نیست و این اقیانوس عظیم در آوار یوم کوچک یا بزرگ تعبیرها و تفسیرها نمی گنجد. دوران بساطت و سادگی گاه دل انگیز روزگاران کهن که امکان تفسیر تمام و کمال زندگی را به ذهن برخی از حکیمان متبادر می کرد سپری شده است. شعر در حیطه خود تلاش می کند اجزایی از زندگی را در روشنی قرار دهد. در این روشنی کم یا بسیار، باید به اطراف نگریست و با این نگریستن به بینایی خود افزود.»

NABARD - E - KHALGH

No : 211 22. Dec . 2002 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / Postbus 9458 / 1006 Amsterdam / HOLLAND

NABARD / P.O Box / London N7 / 7HX - ENGLAND

NABARD / Postfach 102001 / 50460 Köln / GERMANY

NABARD / P.O Box , 710631 / Herndon, VA / 20171 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

Name of Bank.... SOCIETE GENERALE / Address: Boulogne - S - Seine / FRANCE

Bank Code: 30003 / Post Code: 03760 / Account No: 00050097851 / Beneficent Name: Mme. Talat R.T

شهادت فدایی دی ماه

رفقا: فتح الله کریمی - خاطره جمالی - مرتضی حاج شفیعی، ها - حسین محمودیان - مرتضی احمدی - سیروس قصبی - محمد زین الدینی - یوسف زرکاری - فاطمه حسن پور اصیل - بهمن روحی آهنگران - مسرور فرهنگ - حسن نوروزی - فاطمه (شمسی) نهانی - شاهرخ میثاقی (اولین شهید جنبش دانشجویی خارج کشور) - خدابخش شالی به دست دژخیمان شاه و خمینی در مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم از سال ۱۳۵۰ تاکنون به شهادت رسیدند.

اطلاعیه

در باره دستگیری و زندانی کردن ایرانیان در آمریکا

حمایت از دادخواست خانواده های قربانیان قتل‌های زنجیره ای

روز جمعه یکم آذر ۱۳۸۱ خانواده

های فروهر، پوینده و مختاری طی یک اطلاعیه خواستار تحقیق و بررسی پرونده قتل‌های سیاسی زنجیره ای از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد شدند.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران ضمن حمایت از دادخواست خانواده های قربانیان قتل های زنجیره ای یک بار دیگر اعلام می دارد که هیچ یک از بی دادگاه‌های رژیم

استبداد مذهبی حاکم بر ایران نمی توانند و نمی خواهند و صلاحیت ندارند که به «افشای حقایق و احقاق حق و عدالت» پاسخ عادلانه دهند.

وظیفه اصلی و همیشگی بی دادگاه‌های رژیم ولایت فقیه صادر کردن احکام جابرانه در مورد قربانیان بوده است. ما که همواره خواستار تعیین یک هیات تحقیق بین

المللی از جانب کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد برای بررسی پرونده کلیه قتل‌های سیاسی و معرفی آمران و عاملان آن بوده ایم، ضمن حمایت از دادخواست خانواده های قربانیان قتل های زنجیره ای،

از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد مصرانه خواستار پاسخ مثبت به این خواست انسانی و عادلانه هستیم.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

چهارشنبه-۶ آذر ۱۳۸۱

سازمان چریک‌های فدایی

خلق ایران

پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۸۱

به یاد رفیق راهم غلامحسین ساعدی

«در این شبانه»

تنهاتر از پرنده‌ی نیمروز

در آسمان باروتی خشک

بی چشمداشت جزعه‌ای آب،

در قریب چشمه‌ها

حدیث جنگل تکرار،

بر بستر حریر آب، عشق

+

در طرح شبگیر سایه‌ها

و در بی گمانی تشنه‌ی خوبستن

شکوه «بودن» را، با بیکرانگی پرواز،

آمیخته بود.

راوی قصه‌های مجروح

آفتاب بلند آگاهی

با شوق آواز نسترن‌های صبحگاهی

+

گریستم

در هوای خویشتن،

با خاطرات سبز تو،

و اشک‌هایمان را، بی آن که پنهان کنیم،

بر فراز بام‌های شهر، به اهتزاز درآوردیم؛

ماه،

با باغ سبیدار و عطر گنجه‌های خود،

هر شب، با یاد تو می شکوفد.

با یاد تو می ترواد،

با یاد تو می خواند.

م.وحیدی (اختر)

پائیز ۸۱